

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

حسینی مشکان

از ما

نخورده باشی

درین چند هفته‌ها هدا نواع تازه‌یی از گروگانگیری بودیم که اکنون رژیم آیت‌الله آن را آشکارا بعنوان یک حربه سیاسی بکار می‌برد.

در تهران، یک روزنا منگارا آمریکا با زدا شدت شدیا بعبارت ساده‌تر، گروگان گرفته شد. این روزنا منگارا آمریکا "جرالد ساید" فرستاده ویژه روزنا منگارا متنفذ و پرتیراژ "وال استریت جورنال" بود که طبق دعوت جمیوری اسلامی، با گذرنا مهرسی وروا دیدمعتبر، همراه با گروه دیگری از روزنا منگاران خارجی به منظور تهیه گزارش از اوضاع جنگ به ایران سفر کرده بود و بعد از آنکه او را به جبهه بردند و با زگردا نندند و در مصاحبه حجت الاسلام رفسنجانی هم حضور یافت تا گهان به آنها مجا سوسی و استفاد از گذرنا منگالی با زدا شدت شد.

بقیه در صفحه ۱۱۲

پیام دکتر شاپور بختیار

به کمیسیون روابط خارجی

احزاب دموکرات مسیحی

آقای رئیس، خانم‌ها، آقایان

با استفا ده ز فرمتی که در نتیجه حسن ابتکار شما در اختیار نهضت مقاومت ملی ایران قرار گرفته تا در چهار چوب محدودیت زمانی تعیین شده حقایقی دربار ایران در اختیار رسان گذاشته شود مفید دانستم توجه شما را به باره‌ای نکات اساسی این مسئله حاد جلب کنم.

اولین جنبه این مسئله جنگ خانمانسوز و بی معنایی است که از شش سال ونیم پیش به اینطرف میان ایران و عراق پیدا می‌کند و تعداد تلفات و دامن منسه فایده‌ای که برای طرفین برجا گذاشته هر روز بیشتر عقل را دچار حیرت می‌کند، جنگی که آخرین تعرض بزرگ آن که از جانب جمهوری اسلامی آغاز گردیده و هم‌اکنون

بقیه در صفحه ۲

هیئت نمایندگی نهضت

در پارلمان اروپا

بختیار را قرائت کرد بهیسی آقای وزیر معرفی نهضت مقاومت ملی و جهت عقیدتی آن برداشت. آقای صدیقی مطالبی دربار جنگ ایران و عراق و قرا ردا دا لجزا پرا ظها ردا شدت، آقای مجلسی طی بیانات کوتاهی دولایحه‌ای را که اعضای نهضت در انگلستان بتصویب پارلمان انگلستان رسانده بودند تقدیم رئیس جلسه کرد. در این دولایحه تحریم فروش اسلحه و لوازم یدکی بکشورهای ایران و عراق و حمایت از بوزیسیون دموکرات ایران، موردتقاضا بود.

بهنگام طرح سئوالات، یکی از نمایندگان بلژیک از نوع گروه‌های که در بوزیسیون ایران فعالند سئوال کرد و یکی از نمایندگان بلژیک در صفحه ۲

بهمن خسته

فقط يك پناهگاه

مقیاس جهانی، آن است که اروپا در آن درگیر شود.

بقیه در صفحه ۳

بنازگی یک روزنا منگارا آلمانی نوشته بود که با وجود تنشهای شدید میان شرق و غرب، بیش از چهل سال است که جهان از نعمت صلح برخوردار است. وی افزود موازنه‌ای که صلح جهانی را در این مدت با لنسبه طولانی تاء مین کرده است، هر چند "موازنه" وحشت "نامدارد، ولی به هر حال چون باعث برقراری صلح شده، باید به دیده مثبت در آن نگریست.

وقتی یک ایرانی این نوشته را می‌خواند، نمی‌تواند خشم خود را به آسانی فرو خوردا زاینکه برای اروپا ثیان اگر در اروپا جنگی نباشد، صلح، آنهم در مقیاس جهانی، برقرار است، و جنگ، با زهم در

بهاران های تهران

از ۲۲ تا ۲۶ بهمن ماه تهران ۱۰ بار بحباران شد. گاه ۳ با رطوبت بکروز. به این ترتیب مرحله جدید جنگ شهرها، دامنگیر شهر تهران هم شد.

روز پنجشنبه هوا پیمای های عراقی ۱۰ شهر ایران را بمباران کردند و تهران نیز ۳ بار بمباران شد: صبح زود ساعت ۸ شب و اندکی پس از نیمه شب.

اما مقام های جمهوری اسلامی در باره جزئیات بمباران ها و انفجارها تا به حال حرفی نزده اند و تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی به بیخس تمام و بیست آن نمی بردا زد.

وسایل ارتباط جمعی رژیم در باره ی بمباران صبح پنجشنبه فقط گفتند یک بمب در شمال شرق تهران، موجب بقیه در صفحه ۲

چرا جنگ داخلی؟

اگر رژیم خمینی فروبریزد، با اگر خمینی بمیرد و جانشین او از درون رژیم اسلامی نتواند قدرت را قبضه کند، آیا جنگ داخلی در ایران درخواهد گرفت؟ آیا در این جنگ داخلی، نیروهای چپ فرصتی برای بقدرت رسیدن بدست خواهند آورد، و اگر نتوانند بر اوضاع مسلط شوند، راه دخالت قدرتی بیگانه در ایران هموار خواهد شد؟

چنین پرسش‌هایی گمانگاه در مطبوعات بین المللی مطرح می‌شود و گزارشگران و مفسران، بنا به سلیقه یا جهتگیری سیاسی و با آرزوی خویش، می‌کوشند پاسخی بدان دهند و اگر فرصتی دست داد، چسبانه‌ای بیندیشند.

بقیه در صفحه ۴

قیام ایران دو هفته‌گی

در صفحه ۳

نادر نیک‌بین

هشدار شوروی

دولت شوروی "بیری دلیل راه" بشمار می‌آید، به‌علی اکبر ولایتی گفت که جمهوری اسلامی باید هر چه زودتر به این جنگ خونین پایان دهد و نگذارد که گورستانهای بیش ازین از گشتگان جنگ بر شود.

این سخنان، که خبرگزاری "تاس" آن را "مریخ وجدی" خوانده است، از زبان بقیه در صفحه ۱۱

ظهر روز ۲۴ بهمن، رادیو دولتی جمهوری اسلامی، در باره دیدار علی اکبر ولایتی با گرومیکورئیس جمهوری شوروی خبری جز این پخش نکرد که این دیدار صورت گرفته است. علاقمندان، به وسیله رسانه‌های بین المللی در یافتند که در آن دیدار چه گذشت. گرومیکو، که نزدیک سی سال سیاست خارجی شوروی را اداره می‌کرد و اکنون در مورخارجی برای

گژدم آخوندی

علی اکبرناطق نوری می‌پرسد: "مگر همین مهدوی کنی‌ها، خوشینی‌ها، خزعلی‌ها، خامنه‌ای‌ها و هاشمی‌رفسنجانی‌ها نبودند که سمبل مبارزات ضد استکباری بودند، پس چرا امروز باید این گونه مورد هتک و توهین قرار گیرند؟" سپس نتیجه می‌گیرد که: "از ما است که بر ما است." بقیه در صفحه ۳

علی اکبرناطق نوری، وزیر پیشین کشور و نماینده کنونی مجلس در جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی پیش از دستور می‌گوید که در مجلس اسلامی و بیرون از آن، به اصطلاح "بزرگان قوم" و روحانیان نامدار چنان مورد احترام قرار می‌گیرند که حتی در رژیم شاه نیز "کسی جرات چنین هتاک را نداشت."

پیام دکتر شاپور بختیار به کمیسیون روابط خارجی

احزاب دموکرات مسیحی

دست و شری که در وجودشان تجسم یافته
اقدامات نیم بند و سیاست دست روی دست
گذاشتن و دادن امتیازهای ندادن
همانگونه که من از ابتدای بروز این
بیماری تاکنون همواره تکرار کرده ام
علاج آن تنها در ریشه کن ساختن آن است.
تحمل کردن اهانت به آزادی و حرمت
انسانی، بویژه در کشوری با داده های
جمعیت شناختی و استراتژیکی ایران
نمی تواند دخالی از نتایج وخیم در زمینه
بین المللی و خاصه برای صلح جهانی
باشد.

اگرچه در این مورد طرف ذینفع اصلی
ملت ایران است که آزادی دموکراسی و
مقاومتش در برابر حکومت جبار ز قریب
یک قرن پیش تاکنون برای او شمره ای
اندرک ببار آورده است و این خود مطلبی
است که نه شیزمینه ژئوپولیتیک و رفتار
قدرت های خارجی در آن ناچیز نبوده
معدلسک نیا بدچنین نتیجه گرفت که
کشورهای دموکراتیک غرب با پیدنبست
به آینده دموکراسی در کشور ما بی اعتنا
باشند، بدتر از این، با رفتاری آمیخته
به ضعف و مصالحه آمیز به نظام جبار آن
کنک کنند.

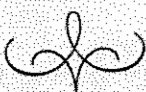
ملت ایران در مجموع خود دموکرات های
که نماینده آلمان های واقعی او هستند
بهمان اندازه به همدردی و همبستگی
دموکرات های مغرب زمین نیا زمندانند
که اینان نیز به نوبه خود نمی توانند
زمان درازی از وجود یک دولت ایرانی
دموکراتیک، با ثبات، نگران صلح
جهان و سزاوار احترام جامعه بین المللی
بی نیاز باشند.

ایران هرگز نخواهد مرد

بهاران های تهران

بقیه از صفحه ۱

خارا تنی شد و چند نفر کشته شدند. همین
کلی گویی در باره ای بهاران های
بعدهی ادا شده است.
روزی که سنه ۲۷ بهمن ماه، بزرگوارهای
مختلف ایران به تهران آمدند، و در عین
حال، دوهوا بمانی میراث عراقی، بر
اثر شلیک موشک های زمین به هوای
ها و کازوی جمهوری اسلامی، بر فراز
شهرهای اصفهان و مسجد سلیمان سا قسط
شد و یک خلسان اسیر کردند.
پس از این بهاران ها، میرحسین
موسوی نخست وزیر روزی که نینه مردم
ایران را در محدوده دهه های سیج
عمومی در برابر بهاران ها، بسسه
مقاومت بیشتر در برابر بهاران های
هوایی دعوت کرد.



هیئت نمایندگی نهضت در پارلمان اروپا

بقیه از صفحه ۱

استالین و هتلر در حیطه های با مره شدند،
مرکت نبود، ما ملاقاتی را با شما
در هلند، مونیخ و اینجا داشته ایم. دیگر
در آینده نمی توانیم مدعی شویم که بسه
ما هیئت رژیم ایران و عقاید ما آشنائی
نداشته ایم و بعبارت دیگر نمی توانیم
آینده از خود رفع مسئولیت کنیم.
چنانچه ما در ایران موفق نشویم
آلترنا تیفوهای خطرناکی در انتظار ایران
و ملت ایران و مهمترین آن در انتظاری
منطقه، دموکراسیهای غربی و صلح جهانی
است. با دآوری می کنیم که چندی پیش
عده ای معتقد بودند که ما اینجا دمرا وده
با زرگانی نزدیک با رژیم اسلامی، رژیم
را محبور به رعایت اعتدال می کنیم، ولی
در حقیقت از آن روز تا بحال فعالیت های
حکمی رژیم را عمل تروریستی در خاک
میانه رو بسند گذاشته و نزدیکی امریکا
با رژیم نتیجه ای جز سوییژ توریت ها
- هما نظور که ما هده می کنیم - در پی
اشارت گرفتن مردم بگناه نداده
بسیار از روح جلسه اعضای هیئت
استودیوی را دبو سیر و کل حضور یافتند و
در یک محاسبه را دبوئی مرتکب گردیدند.

(*) متن پیام در همین شماره جداگانه
جای شده است

سما بنده بلژیک در پارلمان اروپا مطالب
کوتاهی در باره فعالیت گروه های مذهبی
افراطی مسلمان در کشورهای افریقای
اطیار دادند. نماینده ای از ایالتی از
چونکی تماس بین نهضت و مردم ایران
سنواتی کرد و نماینده دیگری از ایالتی
خواستار تماس بیشتر بین نهضت و
احزاب دموکرات مسیحی شد. آخرین
سخنران نماینده ایلمان در جلسه بود که
مطالبی در باره کنفرانس قبلی مونیخ و
لزوم دبای لوک و تماس با نمایین نهضت و
دمکرات مسیحی ها بیان داشت. او معتقد
بود که احزاب دموکرات مسیحی با بسب
انتخاب تاریخی خود را بکنند و نهضت
مقاومت ملی ایران را بعنوان بزرگترین
گروه دموکراتیک یوزیسون ایران
بسناسند و از آن حمایت معنوی بنمایند.
آقای مجلسی در پاسخ اظهار داشت:
بهراس مطالبی را که بروی کاغذ
نیا ورده و حقیقتاً از اعضای فلسف
برخاسته بعنوان خدا حافظی و یادآوری
ایرا در ام، آقای رئیس، خاسمه ها و
آقایان شما در برابر بیک انتخبات
تاریخی قرار گرفته اید. شما هنوز
می توانید انتخاب کنید و در سنده است.
از شما ما استدعا داریم سعی کنید
انتخابات تاریخی که بیسنان شما قیل
از جنگ دوم جهانی مرتکب شدند و در باره

اعترافات

حاسوس انگلیسی!

بدنبال اعترافات تلویزیونی "راجر
کوپر" با زرگان انگلیسی، وزارت امور
خارجه بریتانیا بشدت به جمهوری اسلامی
اعتراض کرد.

پنجشنبه فوریه، تلویزیون جمهوری
اسلامی فیلمی از "راجر کوپر" نشان داد
که طی آن وی اعتراف کرده به نفع دولت
انگلستان در ایران جاسوسی می کرده
است. راجر کوپر با زرگان ۵۱ ساله،
انگلیسی یک سال قبل در ایران دستگیر
شد و دردی ماه گذشته متهم به جاسوسی
گردید.

وزارت امور خارج انگلستان روز جمعه
۶ فوریه بشدت در این باره به جمهوری
اسلامی اعتراض کرد و اعترافات راجر
کوپر را ساختگی خواند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سخنگوی
وزارت امور خارج بریتانیا اعلام کرد
آخوندزاده گاردا جمهوری اسلامی در
لندن، به وزارت خارج انگلستان احضار
شد و از وی رئیس اداره، خاورمیانه به
وی اعلام گردید که پخش این مصاحبه
ساختگی و غیر قابل درک و به کلی غیر
قابل قبول است. به گفته سخنگوی
وزارت امور خارج بریتانیا، کسار دار
انگلستان در تهران دستور یافته است
از مقامات جمهوری اسلامی خواستار
توضیح فوری در این باره شود.

وزارت امور خارج انگلستان ضمن آن که
اعلام کرد راجر کوپر با بد فوراً آزاد
شود با ردیگر رژیم تهران خواست به
نماینده کنسولی انگلستان در تهران
اجازه داده شود در زندان اوین بسا
راجر کوپر ملاقات کند.
با زرگان انگلیسی در اعترافات تلویزیونی
خود اظهار داشت که سالها در جاسوسی
انگلستان در دستگاها دارای جمهوری
اسلامی، با تک ها، ارتش و بازرگان
تهران نفوذ کرده است.
خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع
مطلع در تهران، گزارش داد که قسار
است فیلم کامل اعترافات راجر کوپر
بزودی از تلویزیون جمهوری اسلامی
پخش شود.

سالگرد فاجعه

نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان
با صدور اعلامیه ای به مناسبت سالگرد
فاجعه ۲۲ بهمن ۵۷ و بیامدهای استقرار
رژیم جمهوری اسلامی، از مردم ایران
خواست که متحد و یکپارچه در راه بیان
دادن به جنگ و برقراری حاکمیت ملی
مبارزه را بیش از پیش گسترش دهند.
در این اعلامیه پس از اشاره به چگونگی روی
کار آمدن جمهوری اسلامی آمده است:
اکنون مردم میهن ما روزانه بهای گزافی
بخاطر موجودیت این رژیم می پردازد.
جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین قدمی
در راه ایجاد درقا و آسایش مردم بر نداشت
و نه تنها کمترین آزادی و حقوق اولیه
مردم را به آنان ارزانی نداشتهاست
بلکه از همان روزهای نخست با اعدا های
انقلابی، انتخابات قلابی و با لاشه
تشبیه حکومتی بر مبنای ارا ده خواست
"ولایت فقیه" عملاً بر تمام رزها تکیه
مردم آزاده ایران برای رسیدن بدانها
قیام کرده بودند، خط بطلان کشید. مردم
ایران در شرایطی که مگان برقراری صلح
از طریق گفتگو و مذاکره فرا هم بود و هست،
دلیلی برای ادا به جنگ نمی بینند، ولی
رژیم خمینی جنگ را رحمت و برکت تلقسی
می کند و کماکان آن را وسیله ای در خدمت
پیشبرد هدف های خود یعنی توسعه انقلاب
اسلامی به کشورهای منطقه و جهان می داند.
نتیجه، کشته شدن صدها هزار ایرانی،
ویرانی مراکز صنعتی و خانوگان شانه
مردم میهن ما بوده است.

در پایان اعلامیه خود، نهضت مقاومت
ملی ایران شاخه آلمان، تاء کید می کند:
نهضت مقاومت ملی ایران به عنوان
سازمانی دمکراتیک در صدد است با الهام
از نیات ملت ایران، رژیم ملابسان را
سرنگون کند و با پایان دادن به جنگ
خانمانسوز کشونی و استقرار حاکمیت
ملی و دمکراسی به خواست های به حق
مردم ایران جاسمه عمل ببوشاند. پس از
سالها جنگ و دیکتاتوری، اکنون زمینه
اقدامات جدی در این راه بیش از پیش
وجود دارد و نهضت مقاومت ملی ایران به
رهبری دکتر شاپور بختیار از یکا یک
هموطنان آزاده انتظار دارد که تمام
کوشش و توان خود را در این شرایط بحرانی
و حاسس مملکت، برای تحقق بخشیدن به
هدف های یاد شده و استقرار یک حکومت
ملی بکار گیرند.



کژدم آخوندی

بقیه از صفحه ۱

و جان کلام، درست در همین جاست. در آستانه نهمین سالگرد انقلاب اسلامی و بقدرت رسیدن حکومت خمینی، چینی سخنانی، آنهم زبانی یکی از سرشناسترین کارگزاران رژیم، برآستی شنیدنی است. هیچ چیز چون بقدرت رسیدن حکومت ملاحظه نمی توانست ما هیت چنین حکومتی را بر ملا گرداند. آنان که در مجلس شورای آخوندی، به کارگزاران این حکومت دشنام می دهند، در واقع نا سزا نمی گویند، آنچه را می گویند که سزاوار است، دست کم بیک مورد پیدا شده است که برخی نما بینندگان مجلس اسلامی زبان حال اکثریت ملت ایران باشند. رژیم آخوندی را رد کردیم و خود بر سر خویش نیش می زد.

این حکایت از آن دارنده گریبان زوال رژیم، که از همان نخستین ماههای پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد، شتاب بیشتری یافته است. دیگر هیچ چیز نمی تواند جلوی این سقوط شتابان را بگیرد. آیت الله خمینی که هر چند گاه یک بار می توانست ترمزها را بکشد و حرکت بی با زگشت به سوی زوال را اندکی کند تر کند، امروز با دیگرانی آن ندارد که ترمزها را بکشد یا اینکه دریا فتنه است کشیدن ترمزها دیگر سودی ندارد از روال امور چنین برمی آید که بودن یا نبودن او دیگر در سرنوشت رژیم اسلامی تا شيرتعیین کننده ای نخواهد داشت. با خمینی یا بدون خمینی - سقوط ادامه دارد.

شیخ صادق خلغالی، این دست سرکوبگر خمینی، انگار که دستخوش چیزی چون سرنوشت وجدان شده باشد، در یک سخنرانی پیش از دستوری گوید: "تاوان کارهای را که من کرده ام باید افراد خدا نامه تا هفت نسل بعد بپردازند، و من این را در وصیت نامه من نوشته ام."

در مجلس اسلامی، دشنام به زمامداران قوم از کدام زبانها جاری است؟ چه چیز سبب گردیده است که صادق خلغالی نیش عذاب وجدان را بر روح خونریز خویش احساس کند؟ پاسخ هر چه باشد، یک نکته مسلم است، و آن اینکه دیگر هیچ سد و مانعی نمی تواند جلوی گسترش و نفوذ احساس همگانی جامعه ایران را بگیرد. سدی که رژیم اسلامی در برابر احساس همگانی جامعه ایران بوجود آورده است، دیگر نقش با زدا رنده ندارد، بلکه محل برخورد، محل منازعه احساس همگانی و تبلیغات رژیم است و بسیار بیشتر از آن که بتواند زگسترش این احساس جلوگیری کند، در برابر هجوم دامن آن ترک برمی دارد و به شکستن و فرو ریختن نزدیکتر می گردد.

هشت سال پیش، هنگامی که آخوندها به قدرت رسیدند، واقع بین ترین ناظران و مفسران نیز عصری بیش از پنج سال برای آن قائل نبودند، کی سینجر،

بقیه از صفحه ۱

ولی خشم انسان ایرانی هنگامی بیشتر بالامی گیرد که در آن روزنامه می خواند قدرت های بزرگ این بصیرت را داشته اند که آتش جنگ را از نقطه های مرکزی جهان، به مناطق حاشیه ای دنیا انتقال دهند، بی آنکه پای خودشان بدان کشیده شود. و این خشم این بار متوجه قدرت های بزرگ نیست، بلکه متوجه رژیم های است که، دانسته یا ندانسته، آتش جنگ ها را دامن می زنند.

اگر در گذشته، غرب خود درگیر جنگ می شد و در نتیجه سلاحهای ساخت کارخانه های اسلحه سازی خود را مصرف می کرد، امروز می گذارد که دیگران با سلاحهای و بچنگند، بی آنکه خون انسان غربی بر خاک ریخته شود. خمینی آب به آسیاب کارخانه های اسلحه سازی می ریزد، خمینی کمک کرده است که آتش جنگ به نقاط حاشیه ای جهان منتقل گردد، برای اسلحه فروشان جهان همین به حساب می آید، آنها را از شعارهایی که خمینی می دهد، پروا نمی نیست.

برای سیاستمداران جهان غرب، جنگ جمهوری اسلامی با عراق، جدا کننده "جنگ فراموش شده" است. مهم برای آنان فقط این است که سلاحها نشان مصرف شود، و هیچ باکی از این نداشتند که قریباً نیا جنگ در برابر اسلحه های مرگبار وسیله ای برای دفاع دارندیا ندارند. در واقع نیز، هنگامی که سخنگوی شورای عالی دفاع، نخست وزیر، و وزیر کشور جمهوری اسلامی به مردم فقط توصیه می کنند که در خانه های خود پناه بگیرند، با شنیدن، دیگر چه توقعی می توان از سیاستمداران خارجی داشت؟

که همواره بانگهای سرد و حسا بگرا مور سیاسی جهان را می نگرند، حتی گفته بود که این رژیم بیش از یک سال نخواهد پاید. با اینهمه مجموعه ای از اوضاع و احوال بین المللی - مساعده حال رژیم و بسیارنا مساعده برای ایران - سبب گردید رژیم آخوندی عمری هشت ساله پیدا کند. درست برابری سالها می که آیدی امین در اوگاندا پائید و ولی این برآوردها هرگز مانع از آن نشد که مشاهده کنندگان و مفسران، جدی تر در این پیش بینی خود تجدید نظر کنند، که حرکت بی با زگشت رژیم اسلامی به سوی سقوط است. اگر در محاسباتها عدم دقتی وجود داشت، در سرعت این حرکت بود نه در جهت آن.

رژیم تهران، با هر سالی که از عمرش گذشت، طرفداران بیشتری را از دست داد و به همان میزان مخالفان بیشتری پیدا کرد. در آغاز انقلاب اگر کسی می گفت که حکومت پایگاه مردمی ندارد، به همان اندازه دچار اشتباه شده بود که امروز بگوید حکومت پایگاه مردمی دارد.

هیچ برآوردها و مدتی به واقعیتی بیش از ده درصد طرفدار برای رژیم قائل نیست. تازه از میان این ده درصد مدید شواری می توان میان معتقدان واقعی و فرصت طلبها و نمان به نرخ روز خورها

فقط يك پناهگاه

مردم بیگنا هدر جنگ به حد اقل برسد؟ و شرمساران این نیستید که پس از اینهمه غفلت از امنیت مردم و بی اعتنائی به جان آنان، به جای آنکه خود تقصیر را به گردن گیرید، گناهانها را به گردن مردم می اندازید؟

آقای خمینی که در سخنرانیها پیش خسته از این نمی شود که بگوید "ریشه فساد را باید کند" چرا در مورد جنگ این ریشه کنی را فراموش کرده است؟ چرا نمی پذیرد که ریشه همه این کشتارها و ویرانیها که به دولت مسلمان می رود، در خود جنگ است؟

اگر جنگ پایان یابد، نه مدرسه ای بمباران خواهد شد و نه بیمارستان، نه کارخانه ای به موشک بسته خواهد شد و نه کشتی نفتکش، ولی اگر بر اینهمه دلیلی که علیه جنگ وجود دارد، دلایل بسیار دیگری نیفزاید، خیمه خمینی دست از جنگ بر نخواهد داشت. تاوان جنگی را که می خواهد، دولت ایران و عراق دارند می پردازند. با اینهمه حجت الاسلامهای ریز و درشت رژیم تهران می توانند توصیه ای بخواهند بکنند، و آن اینکه به جای ساختن پناهگاهها می که غیر ممکن است، کاری بکنند که ممکن است: یک پناهگاه در جماران یا هرجای دیگری برای خود بسازند و در عوض، شبکه دفاعی جماران را به دفاع از مناطق مسکونی اختصاص دهد.

در این شهرهای انباشته از جمعیت - در تبریز، در اصفهان، در شیراز، در کرج، در تهران و بسیاری شهرهای دیگر - مردم بیشمار حتی یک سرپناه معمولی ندارند که بتوانند از آنها در برابر بمباران، سرما یا گرما، میانگند، چه رسد به پناهگاهها که بتوانند آنان را از آسیب حمله های هوایی در امان نگاهدارد.

براستی کارگزاران رژیم اسلامی خیال می کنند که پناهگاهها چه توهم است؟ با ران است که به محض آنکه با ران گرفت، انسان بتواند آن را با زکند تا بسا ران بر سرش نیارد. حجت الاسلام علی کبیر محتشمی که به مردم توصیه می کند برای خود پناهگاههای خصوصی بسازند، یسا معنی پناهگاهها هوایی را نمیداند یا از قدرت بمبهای ویرانگر خبر ندارد.

در دناک ترا ز این توصیه ابلهانها، آماری است که می دهد: می گوید اگر مردم به توصیه دولت گوش کنند و پناهگاهها بسازند، تلفات بمبارانها فقط به ۲۰ درصد خواهد رسید. فقط یک حجت الاسلام رژیم تهران قادر است بسا آمار، که امروز به صورت علمی در آمده است، چنین سرری برخوردار کند.

شما شش سال ونیم است که پای ملت را به جنگی کشانده اید که جز دولت ایران و عراق هم از آن به گونه ای سودی برند، با جز دولت نامبرده هیچکس از آن زبانی نمی بینند. چگونه در طول این مدت به فکر ساختن پناهگاهها و سیستمهای هشدار سریع نیفتادید تا بر استی تلفات

تمایزی قائل شد.

رژیم بسیار بیشتر از آن که در صد کسب حایمان تا زه باشد، در اندیشه آن است که چگونه این هواداران اندک را از دست ندهد. نمایش نظرات در ۲۲ بهمن نباید هیچکس را در باره پایگاه اجتماعی باریک رژیم به اشتباه اندازد. ورشکسته ترین حکومتها نیز می توانند با صرف میلی پول و زور و تبلیغات تا چند هزار نفری را به خیا بنا بکشاند، خاصه آن که حکومت بر نیا زمندیهای روزانه مردم نظارت داشته باشد و بتواند با داش شرکت در نظرات را با آنچه در اختیار دارد، بدهد، و از این گذشته از مکاناتی فنی که رسا نهها برای بزرگنمایی چیزهای کوچک دارند، استفاده بیدریغ کند.

بیگمان مورخانی که در آینده شرح رژیم اسلامی را خواهند نوشت، به نحو روشنی نشان خواهند داد که این رژیم، بیش از آن که از حیث اقتصادی و سیاسی ورشکسته شود، از حیث اخلاقی ورشکسته شد.

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

قیام ایران دو هفتگی

اخیراً "هفته های نهضت مقاومت ملی ایران در داخل کشور، که ماه موریت توزیع قیام ایران در سطح مملکت را بر عهده دارند - به ملاحظه مشکلات توزیع نشریه در قطع کنونی - پیشنهاد کرده اند که کوتاه شده مقالات قیام ایران، در قطع کوچک چاپ و برای آنها ارسال گردند تا بر مشکلات و خطرات کنونی توزیع فائق آیند.

این پیشنهاد در شورای نویسندگان قیام ایران بررسی شد و اصولاً مورد موافقت قرار گرفت. ولی از آنجا که چاپ و انتشار قیام ایران به دو صورت قطع مختلف، شامل هزینه های اضافی می شود، در وضع کنونی که عمده امکانات نهضت متوجه داخل کشور است، افزودن هزینه تا زه ای بر بودجه نشریه مصلحت دیده نشد. در نتیجه بنا به توصیه شورای نویسندگان و تصویب هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران، قرار بر این شد که قیام ایران پس از این، بجای هر هفته، هر دو هفته یکبار منتشر شود و هزینه چاپ نشریه مخصوصاً ارسال به داخل ایران از این ممرتا من گردد.

بنابراین شماره آینده قیام ایران بجای هفتگانه ۷ اسفندماه برابر ۲۶ فوریه، روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۶۵ برابر ۵ مارس ۸۷، منتشر خواهد شد.

بدیهی است که ترتیبی اتخاذ خواهد شد که مشترکین گرامی ما، که وجه اشتراک یک ساله با ما هستند، خبردار خواهند شد، از این تغییرات هنگ انتشاراتی نمیکنند و در مجموع، ۵۲ تا ۲۶ شماره نشریه را دریافت خواهند.

چرا جنگ داخلی؟

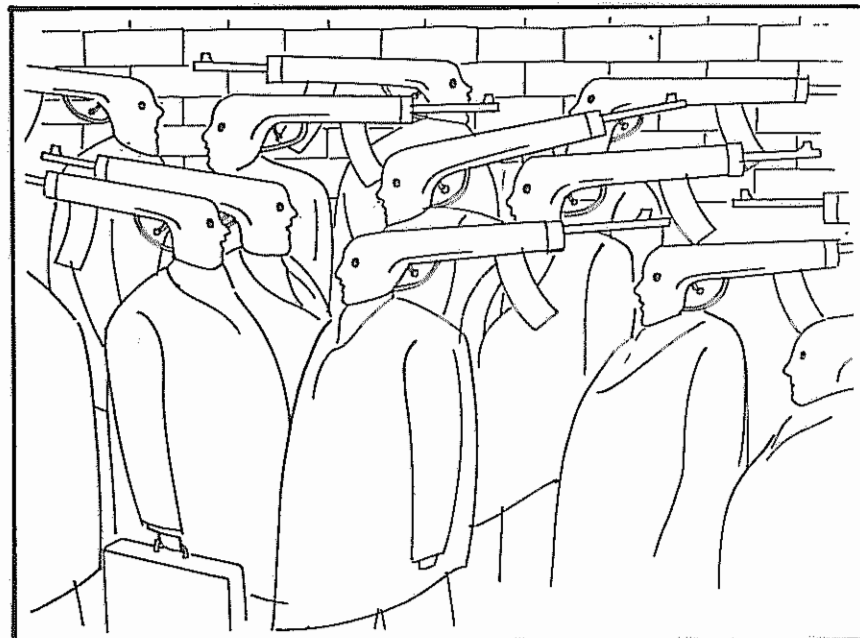
بقیه از صفحه ۱

برخی کسان منظره یک جنگ هولناک داخلی را، بسا خونین تر و طولانی تر از جنگ داخلی لبنان، پس از مرگ خمینی یا در حیات وی اگر مهارت قدرت از دست است کارگزاران رژیم بدرود، ترسیم می کنند. آنان می گویند بیامدهای چنین جنگی، خاصه اگر طولانی شود، به هیچ روی درخور پیش بینی نیست. اینان راست می گویند، اما به یک شرط و آن اینکه مرگ خمینی و بیرون رفتن مبارزان دست جا نشینان اسلامی او، ایران را برآستی در آستانه جنگی داخلی قرار دهد.

استناد آنها غالباً "به لبنان است. می گویند مگر بیشتر از زده سال نیست که جنگ داخلی در این سرزمین آغاز شده است؟ می افزایند: چه کسی میتواند بگوید که این جنگ یا زده سال دیگر نیز نیاید؟

مقایسه ایران با لبنان، اگر از زاویه ای جهت درست باشد، به هر حال یک اشکال بزرگ و برطرف نکردنی دارد. هر جنگ داخلی درجای معادله در وهله نخست از عناصر تغذیه می کند که در خود آن جا مع وجود دارد و در وهله دوم از عواملی مایه می گیرد که از بیرون بر آن جا مع تاء شیری می گذارند. جنگ داخلی در لبنان بدون این همه عنصر مخالفی که در لبنان هست - شیعه و سنی و دروزی و فلسطینی و

مستقل برسیست نمی شناسد. نه تنها آن را منطقه نفوذ طبیعی، بلکه جزئی از قلمرو دولتی خود می داند. تصادفی نیست که رژیم دمشق در لبنان نه سفارتخانه ای دارد و نه سفیری. در پشت این امر دیپلماتیک، یک ادعای ارضی تاریخی



نهفته است. گرایش در لبنان همیشه در جهت گریز از دولت مرکزی بوده است، و این دلایلی تاریخی، سیاسی، مذهبی و قومی دارد. عناصری که در لبنان برشمریم، بیست و چهارم، ایران بکلی غایب است، یا در حالتی چنان ضعیف وجود دارد که نمی تواند

مسئله (از شاخه های گوناگون آن بگذریم) - و بدون تاثیر که کشورهای منطقه - بویژه سوریه و اسرائیل و جمهوری اسلامی - بر حوادث لبنان می گذارند، در نمی گرفت و اگر هم درمی گرفت، چنین طولانی نمی شد. سوریه حتی لبنان را به عنوان کشوری

تاء شیری تعیین کننده در سرنوشته کشور داشته باشد. در ایران، به رغم دوره های کما بیش طولانی آشوب و بی ثباتی - گرایش همواره به سوی یک قدرت مرکزی بوده است. کسانی که نگران آن هستند که پس از خمینی، دوران آشفتگی یا حالتی شبیه جنگ داخلی طولانی شود، از یاد می برند که هشت سال رژیم اسلامی را اساساً با یک جزو همین دوران آشفتگی بشمار آورد.

جنگ داخلی در ایران اگر رژیم خمینی سقوط کند و جانشینان او نتوانند خصلت قدرت را برکنند پیشگویی است که جانشینان خمینی می گویند از آن بهره برداری تبلیغاتی کافی نیز میکنند. بدین معنی که او نمودار زندان ایران جز تحمل همین حکومت یا جنگ داخلی راه دیگری ندارد.

به همین دلیل کارگزاران رژیم زسخنان تورگوت و زال نخست وزیر ترکیه به خشم آمده اند که گفت: در صورت سرنگون شدن خمینی نیروهای طرفدار مشروطه در ایران بقدرت خواهند رسید. این پیش گوئی مهمتر از آن است که یک تسویه حساب با رژیم خمینی به حساب آید. او زال می خواهد بگوید گرایش به همبستگی و وحدت ملی در ایران، اگر پرچم مشروطه برافراشته گردد، نیرومندتر از آن است که عناصر مخالف بتوانند کشور را به ورطه جنگ داخلی در اندازند.

رژیم نیازمند

شنا سیم وجود داشته است، امیرا توری عثمانی بود که برای شرکت در جنگ اول جهانی در حال تلاش و تجزیه بود. حال نویسنده کیهان چگونه چنین پیکره در حال تجزیه ای را یک "کشور مقتدر" می خواند، بما شد.

نویسنده روزنامه "مصدق" در تهران می نویسد ترکیه اکنون نوا نخواستند که به شکرانه صدقه های با زار مشترک و نا تونزدگی می کنند و اگر این صدقه ها نبود، می بایست گفت: وای به حال ترکیه. و طرفه اینکه این سخنان هنگامی از قلم نویسنده جاری می گردید که جمهوری اسلامی در چهار چوب یک قرارداد ۳ میلیار دلاری، از محکمان شای زفروش نفت می دهد و کارهای ساخت ترکیه وارد می کند.

درست است که ترکیه نیازمند کمک های اقتصادی اروپا و آمریکا است. ولی نیازی که امروز جمهوری اسلامی به ترکیه دارد، هیچ کمتر از نیازی نیست که ترکیه را به اقتصاد جهان غرب بیبندد. اگر ترکیه نوا نخواستند، اروپا است، پس در ترکیه با ره جمهوری اسلامی چه می توان گفت که تا بدین پایه نیازی نداشتند این نوا نخواستند است؟ پس در باره اظهارات نخست وزیر رژیم تهران چه می توان گفت که ترکیه را مدام یک "کشور دوست و برادر همکیش" می خواند؟

یا نخست وزیر اسلامی نمی فهمد چه می گوید یا روزنامه کیهان و نهاد های انقلابی نمی فهمند چه می نویسند. البته واقعیت سومی هم می تواند وجود داشته باشد و آن اینکه نه روزنامه کیهان، نه انجمن های اسلامی و نه حوزه های علمیه هیچ کدام نمی فهمند چه می گویند.

در خوردیاد آوری است که سیاستمداران ترکیه برای نخستین بار نیست که آمدگی خود را برای میانجیگری در جنگ جمهوری اسلامی با عراق اعلام می کنند، ولی این هرگز سبب شد که روزنامه های رژیم بدانان بتا زند. رژیم تهران از آن گفته های تورگوت و زال که در رسانه های خود به چاپ زده، تا راحت نیست، از آن سخنان نخست وزیر ترکیه خشمگین است که در رسانه های خود چاپ نکرده است. این تا زگی ندارد که رسانه های رژیم تهران و حوزه های به اصطلاح علمی و انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت و موسسه های از این دست، حکومت ترکیه را مورد حمله قرار دهند و به بنیانگذار ترکیه نوین اهان کنند. خود خمینی نیز از توهین به آتا تورک هیچ دریغ نکرده است. زیرا آتا تورک، این ملحق و نوآور نامدار، مظهر جنبشی است که درست در جهت عکس ایدئولوژیهای تاریک اندیشی چون اسلام آیت الله خمینی عمل می کند. حمله رژیمی چون رژیم اسلامی تهران به دولتی چون دولت غیر مذهبی ترکیه هیچ شگفتی ندارد.

شگفتی بلکه از اینجا است که نویسندگان روزنامه کیهان به اندازه یک کودک دبستان اطلاعات تاریخی ندارند. نمی دانند که پیش از بقدرت رسیدن آتا تورک اصلاً ترکیه ای به صورتی که امروز می

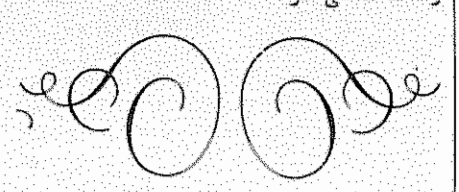
بیچاره آن خوانندگان نمی که با بدای اطلاعات تاریخی خود را از روزنامه کیهان (چاپ تهران) بدست آورند. این روزنامه در شماره ۱۹ بهمن خود در یادداشتی درباره سخنان تورگوت و زال نخست وزیر ترکیه، در ایالات متحد آمریکا، می نویسد: "شاید احتیاجی نباشد بگوئیم چگونه مملکت مقتدر ترکیه با روی کار آمدن آتا تورک تحت تاء شیر دستور العملهای ضد فرهنگی و ضد اسلامی با شتاب زاید الوصفی به صورت یک کشور نیمه صنعتی وابسته به اروپا درآمد."

ظاهراً "روزنامه کیهان از آنرو به تورگوت و زال حمله کرده است که وی در ایالات متحد گفته بود برای آزادی جلال سا یب روزنامه نگار آمریکا می که در ایران با زداشت شده بود، میانجیگری کرده است، و افزوده بود که اگر آمریکا بخواهد، می تواند ندمه میانجیگری میان واشنگتن و تهران ادا مدهد.

این سخنان نخست وزیر ترکیه البته بهانه ای برای مقاله "اهانت آمیز روزنامه کیهان" نیست. حقیقت این است که روزنامه کیهان از این عصبانی است که و زال در مصاحبه ای با روزنامه واشنگتن پست گفته بود پس از سرنگونی رژیم خمینی، نیروهای مشروطه خواه و ملی ایران به رهبری ناپور بختیا ر قدرت را در دست خواهند گرفت.

دیپلمات های بازجو

هفته ها به "باری ماج" جاب بارسی فانی کرد که یکی از کروکاتهای فرانسوی که حندی قبل موفق شد از سارتکا خود در بیروت بگریزد و دوتن از با زجویان خود را در بین دیپلماتهای سفارت جمهوری اسلامی در بیروت ستا سانی کرد. مجله "باری ماج" در شماره اخیر خود در گزارش مفصلی بباری مون کروکاتگیهای لبنان به قلم فرستاده ویزه ان به بیروت با باریک فورستیه، نوشت: زان سارک سوسی، فیلمبردار کارنا ل یک تلویزیون فرانسه، روز ۶ مه با گذشتن در بیروت رسیده شد. وی پس از زگریختن از سارتکا خود اظهار داشت: پس از زبودن مرا در سارتکا تک کسب یک کارگاه ساختمانی در جنوب بیروت زندانی کردند که چرا در داخل آن به ۴۰ درجه می رسید و هیچ تهویه و روزنه ای به خارج نداشت. بعد از سه روز که حرک و عرق سرازیم را گرفته بود، از دمربایان اجازه استحمام خواستم. چنان مرا بستند و به محلی دیگر بردند. که یکی از مقرهای دائمی حزب الله بود. اندکی بعد نفریندار من آمدند. سه نفر از آنها کت و کلاه روئی سر تنی داشتند و شروع کردند به زجونی از من. زان سارک سوسی، حندی بعد از زجسنا در آوردن زجرها می که بنجره را بونا نده بود توانست خود را نجات دهد. به نوشته "باری ماج" وی پس در بیروت عکسهای دیپلماتهای سفارت جمهوری اسلامی در بیروت دوتن از با زجویان خود را ستا سانی کرد.



ایران و خاورمیانه



در مضبوطات بین المللی

گروگان ها و نقشه های ریگان

هفته نامه ی فرانسوی و اس. د. طوسی مقاله ای می نویسد:

دورنیست که در پی تدارکات نظامی آمریکا طی ها، مقامات ایرانی دستور توقیف تری ویت را داده باشند تا از او یک ایر - گروگان بسازند. ما هم موران سفارت جمهوری اسلامی در دمشق به مقامات آمریکا طی هشدار داده اند که:

اگر آمریکا به بیروت یا ایران حمله کند تری ویت اولین قربانی آن خواهد بود. در این هشدار، راه حل دوگانه نظامی - برزیدنت ریگان بطرزی متناقض خلاصه شده است. یکی از نمایندگان دولت ریگان در این باره می گوید:

ما بطور کلی و برای آینده نگری نیویورک ضربتی "تا وگان ششم" را در بیروت متمرکز می کنیم. تا واهی هواپیما بکنسلی و نیویورک همراه با حدود سی کشتی اسکورت در این محل مستقر خواهد شد. و این نظیر در تدارکات است که در سال ۱۹۸۳ برای حمله تلافی جویانه به لبنان انجام داده بودیم. هیچیک از جزئیات رفتار ما از چشم ناوهای جاسوسی شوروی که از فضا صله ای نزدیک ما را تعقیب می کنند، پوشیده نمی ماند. اما اینکه به معنی آن نیست که ما قصد حمله به آنجا را داریم. راه حل نظامی آمریکا اکنون در حال انجام است، و شما ریش معکوس بنیانی آغاز شده است. ما جبهان در لحظاتی دلپره برنگران هر تصمیمی ست که ریگان خواهد گرفت و ریگان این بار دیگر حق هیچگونه اشتباهی را ندارد.

مخاطب ما می گوید: - ما در کنگره از نیووضع قدرت را بدست آورده ایم. تا دو هفته پیش حتی امکان چنین عملیات نظامی ای نیز از ذهن کسی نمی گذشت. ما اکنون در دوران "ایران نگیت" بسر می بریم. رئیس جمهوری و دستیارانش در چشم جبهان نیا اعتبار خود را بازیافته اند. اما با وجود موج آدم ربا بی ها در بیروت و بسا وجود اعلام جنگی که گروگان گیران به جبهان غرب داده اند، عقاید عمومی آمریکا ثبات و حتی همه مردم جبهان با ردیگری جای اول با زمی کرده. حتی رهبران حزب دموکرات دروا شنگتن نیز خواه ستاکار عدا خله با مشت محکم اند؛ با دیدگروگان گیران در مجازات کرد، اما چگونه؟

دو مطلب اصلی برنامه های نظامی بنتاغون چنین است:

۱- تا زمانی که گروگان های آمریکایی هنوز زنده اند، و برای آنکه آن را بیهیاست جماع (یعنی هشداری را از اسازیم و نه با تان قنصلی) ما نند تحویل اسلحه به ایران و با چاهی های گزاف) با یدنه تنها در لبنان، بلکه در خلیج فارس نیز دست به اقدامات استراتژیک برزیم.

۲- در صورتی که علی رغم هشدارهای مکرر و شنگتن، گروگان گیران هوا دار جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند که به تلافی دست به کشتار گروگان ها بزنند، مرحله دوم نظامی آغاز خواهد شد.

تا وگان ششم آبریکه هم اکنون در آبهای ساحلی بیروت در کرا رما نورهای انحرافی است، بیبوت های خود را به هدفهای که از پیش و بدقت توسط ما هوا ره های جاسوسی تعیین شده اند پرتاب خواهد کرد. این هدفها عبارتند از: منطقه ای که زندان شیهه نشین در بیروت که گروگان نهسا مدتی در آن زندانی بوده اند و دیگر سرداردوگا ههای آموزشی و یاد دگانیهای پاسداران و گروه حزب الله به رهبری روحانی شیخ فضل الله که در دره بقاع دربعلیگ قرار دارد.

به عقیده مخاطب ما، گروگان گیران

اکنون کار را به جانی رسانده اند که دیگر با زگرداندن گروگانها برایشان مقدور نیست. چرا که آنها را زارها و شکنجه های بی برپا را نشان رفته است خوب خبردارند. مثلا ویلیام با کلی آمریکا بی چشم بسته بدست زندانبانانش چنان شکنجه شده بود که فراد حزب الله علی رغم آنکه رژیم تهران بیهنگام ما جرای ایران نگیت خواستار آزادی او شده بود و لاکشند.

ریگان در عین حال و در ما وای اینهمه، جابرای راه حل دیگری که بتوا ندرضیه نهایی را به جمهوری اسلامی و تروویستهایش وارد آورد، با زکذا شته است: و آن محاصره نظامی ساحل لبنان و بویژه سواحل ایران در خلیج فارس و تیانوس هند است. نیروی هوایی آمریکا با درا اختیار داشتن راه را در هوا سایل کافی می تواند از پرواز هواپیما های ایران جلوگیری کند. این محاصره هم دریایی و هم هوایی است. مرا حل مختلف این محاصره نیز از پیش توسط ما شین های الکترونیکی نظامی آمریکا برنا هم برزی و محاصره شده اند. پاریس برای گروگانهایش چه تدبیری اندیشیده است؟

به عقیده تحلیل گران دولت فرانسه، در حال حاضر گروه مذاکره ای با آدم ربایان بی حاصل است. زیرا "تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری هیچک از زندانبانان آزاندخواهند شد."

ژاک شیراکه بنایا ربا آگای از آنکهای ما جرای گروگانهای مسلما "شاعر مرکزی مبارزات انتخاباتی خواهد بود، در او آخر هفته گذشته هیا تیرانسوی را بیه و شنگتن فرستاد تا از آمریکا بخواهد در لبنان به عملیات مشترک دست بزنند. اسرائیلی ها با توجه به آنکه در این جنگ بنیان کن تازه (که گسترش نیز خواهد یافت) از شوه های کلاسیک کار نمیبرود و با یدارتش های مرکب از کوما توهایی ضربتی که از زیرکی و دلیری هم سردو برخوردارند، بوجو داید در اواس ستاد ارتش خود دو فرسیر جسته را قرار داده اند که در ژوئیه ۱۹۷۶، جمله به "آسامان داده او جرای کرده بودند. اسرائیل می دانند که برایش چه پیش خواهد آمد، و نیز می دانند که برای ما چه پیش خواهد آمد.

و. اس. د. - جمعه ۷ فوریه ۸۷

دربار تروریسم

نباید تسلیم شد

با تریک واژمن، مفسر روزنامه فیگارو چاپ پاریس در مقاله ای عدم طبعیت و روش مصالحه جویانه دولت های غربی را در مقاله بل گروگان گیری و دولت های تروریست پرور را بشدت مورد انتقاد قرار داده و خواستار سزا بخوشی شدید و جدی غرب به کشورهای حامی تروریسم بویژه جمهوری اسلامی سوریه شد.

با تریک واژمن در بخشی از مقاله مفصل خود می نویسد: نقش دولت های این است که هیچگاه در مقابل چنین تهدیدهای تسلیم نشوند، حتی اگر بخاطر آن بهای گزاف بپردازند، زیرا یک بار تسلیم شدن کافی است تا تمامی اعتبارات بین المللی خود را از دست رفته ببینند و در مقابل تهدیدها و تجازهای بعدی قدرت مقاومت را از دست بدهند.

مفسر فیگارو می افزاید: شاید به مسن تذکردهند که گروگان گیران ناشناسند و معلوم نیست چه هدفی را دنبال میکنند و در مقابل چه کسی با یدشت عمل به خرج داد، اما من با این عقیده مخالفم. دست کم دولت با یدر سزا "به عنوان مسئول آنچه امروز در لبنان می گذرد به جهانیا معرفی شوند: جمهوری اسلامی سوریه با تریک واژمن می افزاید: جمهوری اسلامی بدلیل آن که بیشتر گروه ها ئی که در لبنان گروگان های غربی را در اختیار دارند، بیروخیمیتی هستند و بر سر ای او همدستانش کار می کنند.

سوریه نیز به دلیل این که عا مل بعضی آدم ربائی ها ست و علاوه بر این مناطقی که گروگانها در آنجا سیرند، تحت تسلط ارتش سوریه است. وی به عنوان شاهد گفته ای از "دوا ردا سالیه"، کارشناس مسلم خاورمیانه را نقل می کند که میگوید: سوریه با سی هزار سربا ز خود با زمانهای امنیتی اش با شبه نظامیان طرفدار خود یعنی دروزی ها و شیعیان امسل، منطقه بقا و بیروت غربی را که پناهاگسا ه تروریست ها ست در تسلط خود دارد. و دو سال پیش دیدیم که بدنبال اتمام حجت شوروی، دمشق به وسیله شیعیان امسل و دروزی ها گروگانهای روسی را به سرعت از بند رها کرد.

با تریک واژمن می افزاید: اگر حافظ اسد بیگنا ه ست چرا بیشتر گروه های شناخته شده تروریستی را در دره بقا در پناه خود قرار می دهد؟

همچنین اگر رژیم بیت الله ها تا این حد که دولت های غربی جلوه می دهند بیگنا ه است، چرا برای آزادی گروگانها با یدبا آنها وارد مذاکره شد؟ آیا تصور می رود که حزب اللهی ها ی طرفدار جمهوری اسلامی در لبنان، اسلحه خود را از سوپرمارکتها می خریدند و هزینه های خود را از طریق سرد در بلط بخت آزمائی تاء مین میکنند؟ نویسنده روزنامه فیگارو می افزاید: اکنون موقع آن رسیده است که دولت های غربی حجت را با جمهوری اسلامی تمام کنند. اکنون موقع آن رسیده است که رژیم های تهران و دمشق ماسورد تهدیدهای در حد جراث خود قرار بگیرند. به این منظور می جزا مین نیست که مناسبات سیاسی با این دور زیم قطع شود. فرودگا های آنها تحریم شوند، فرودگا های غرب بر روی هواپیما های آن ها بطور مطلق بسته شود، روش های مقابلیه اقتصادی وی با گروگان گیران در برابر آن ها در پیش گرفته شود، دارائی های آن ها در بانک های غربی توقیف گسرد و عملیات نظامی علیه هدف های اقتصادی و نظمی در ایران و سوریه و مناطقی کنترل سوریه انجام گیرد.

فیگارو - ۸ فوریه ۸۷

مک فالین:

خودکشی؟

تذکردهند که گروگان گیران ناشناسند و معلوم نیست چه هدفی را دنبال میکنند و در مقابل چه کسی با یدشت عمل به خرج داد، اما من با این عقیده مخالفم. دست کم دولت با یدر سزا "به عنوان مسئول آنچه امروز در لبنان می گذرد به جهانیا معرفی شوند: جمهوری اسلامی سوریه با تریک واژمن می افزاید: جمهوری اسلامی بدلیل آن که بیشتر گروه ها ئی که در لبنان گروگان های غربی را در اختیار دارند، بیروخیمیتی هستند و بر سر ای او همدستانش کار می کنند.

سوریه نیز به دلیل این که عا مل بعضی آدم ربائی ها ست و علاوه بر این مناطقی که گروگانها در آنجا سیرند، تحت تسلط ارتش سوریه است. وی به عنوان شاهد گفته ای از "دوا ردا سالیه"، کارشناس مسلم خاورمیانه را نقل می کند که میگوید: سوریه با سی هزار سربا ز خود با زمانهای امنیتی اش با شبه نظامیان طرفدار خود یعنی دروزی ها و شیعیان امسل، منطقه بقا و بیروت غربی را که پناهاگسا ه تروریست ها ست در تسلط خود دارد. و دو سال پیش دیدیم که بدنبال اتمام حجت شوروی، دمشق به وسیله شیعیان امسل و دروزی ها گروگانهای روسی را به سرعت از بند رها کرد.

با تریک واژمن می افزاید: اگر حافظ اسد بیگنا ه ست چرا بیشتر گروه های شناخته شده تروریستی را در دره بقا در پناه خود قرار می دهد؟

همچنین اگر رژیم بیت الله ها تا این حد که دولت های غربی جلوه می دهند بیگنا ه است، چرا برای آزادی گروگانها با یدبا آنها وارد مذاکره شد؟ آیا تصور می رود که حزب اللهی ها ی طرفدار جمهوری اسلامی در لبنان، اسلحه خود را از سوپرمارکتها می خریدند و هزینه های خود را از طریق سرد در بلط بخت آزمائی تاء مین میکنند؟ نویسنده روزنامه فیگارو می افزاید: اکنون موقع آن رسیده است که دولت های غربی حجت را با جمهوری اسلامی تمام کنند. اکنون موقع آن رسیده است که رژیم های تهران و دمشق ماسورد تهدیدهای در حد جراث خود قرار بگیرند. به این منظور می جزا مین نیست که مناسبات سیاسی با این دور زیم قطع شود. فرودگا های آنها تحریم شوند، فرودگا های غرب بر روی هواپیما های آن ها بطور مطلق بسته شود، روش های مقابلیه اقتصادی وی با گروگان گیران در برابر آن ها در پیش گرفته شود، دارائی های آن ها در بانک های غربی توقیف گسرد و عملیات نظامی علیه هدف های اقتصادی و نظمی در ایران و سوریه و مناطقی کنترل سوریه انجام گیرد.

فیگارو - ۸ فوریه ۸۷

وال استریت جورنال، روزنامه آمریکا بی چاپ اروپا، در گزارشی زیر عنوان: "جمهوری اسلامی از طریق شبکه های مخفی در لندن جنگ افزا رقا ق خریداری می کند"، می نویسد:

بی درنگ بسا از شروع جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی، کوشش های خود را برای خرید اسلحه قا ق از در غرب از طریق دفتر پشتیبانی لجستیک نیروی هوایی در ساختمان شرکت ملی نفت ایران در لندن، آغاز کرد.

نخستین تلاش رژیم بیت الله خمینی برای خرید اسلحه ا قبتی تا ناو ردا شت، در سال ۱۹۸۱، دفتر پشتیبانی لجستیک نیروی هوا بی در لندن اعلام کرد که دلان اسلحه با یدابتدا ده در صدا ز قیمت هر سفارش را بپردازند و پس از آنکه مقامات جمهوری اسلامی اسلحه را با زبینی کردند بین پول به آنان با زبسی داده خواهد شد.

بسیاری از فرورسندگان قاتونی اسلحه، این حکمرا سختگیرانه و نامعقول یافتند، اما بهنا منجمی، شعیبی ایرانی، فروش ۸۵۰۰ موشک ضدتانک "تا و" امریکائی را به این دفتر بر عهده گرفت. مقامات دادستانی انگلستان از این معامله به گونه کلاه برداری کلان و ما هرا نه ای یاد کرده اند. در این ماجرا سه سرهنگ ایرانی که برای زبینی موشک "به بلزیک" رفته بودند، و دود بیلمت جمهوری اسلامی ویک با نکدا ر توسط شبکه بهنا منجمی در لندن ربوده شدند.

اسکا تلندیا رد چندان عت پیش از آنکه دفتر پشتیبانی لجستیک مبلغ چند میلیون دلار را به حسابهای مختلفی در بانکهای سوئیس بفرستد، قدم به میدان گذاشت.

نجمی که به گفته یکی از ما موران آگاهی انگلستان کلاه برداری به سبک کهن بود، به جرم شیادی به ده سال زندان محکوم شد. وال استریت جورنال می نویسد:

تقریبا "همزمان با این ماجرا، دفتر پشتیبانی لجستیک روابطی با یک شعیبی ایرانی دیگر بنام سعید آفسی اپنا تلویور قرار کرد. به شهادت مسد رگ ضبط شده در دادستانی امریکسا در "سان دیگو"، اپنا تلوشیکه ای مرکب از کارمندان غیرنظامی نیروی دریایی آمریکا بوجو دآورد که در آرای دریافت پول، قطعات جنگنده های تا مکت اف-۱۴ نیروی دریایی را از انبارهای مختلف نیروی دریایی آمریکا سرقت کنند و برای ارسال به ایران در اختیار وی قرار دهند.

هنگامی که قطعات اف-۱۴ به قیمت ۵۰۰ هزار دلار توسط اپنا تلویه ایران ارسال شد، یک کارمند کنجگا و گمراک آمریکا درلس آنجلس جعبه ای را که برآن برچسب "لوازم زندگی ماشین" زده شده بود، با زگردان قطعاتی از جنگنده های تا مکت آرایفت که تنها در نیروی دریایی آمریکا در نیروی هوایی ایران بکار می رود.

وال استریت جورنال - ۳۰ ژانویه

شبکه انگلیسی

خرید اسلحه

فرهنگ ایران

محمد جعفر محجوب

از هشت بهشت :

داستان حسن زرگر

سخن شناسان امیر خسرو دهلوی را بزرگ ترین شاعر فارسی زبان شبه قاره هندوستان در شمار آورده اند. وی اصلاً ترک نژاد بود و پدرش به هند مهاجرت کرد. امیر خسرو خود نیز علاوه بر ترکی و فارسی که زبان شعر و نثرش است، عربی و سنسکریت و یکی از زبان های بومی هند به نام برج بها کارا می دانست و گویند بدین زبان آثاری نیز داشته که از زمان رفتن او به هند برای این در موسیقی نیز استفاده و در قطعه ای به صراحت خود را در فنون شعر و موسیقی "گام مل" می دانند و هنوز مردم هندوستان آهنگ ها و آوازهایی دارند که گویند سروده امیر خسرو است و نیز یکی از آوازهای ضربی خود موسوم به "فرودست" (= سازی که در زیر سر دست می گذارند) را اختراع وی می دانند.

گذشته از این همه فضل و کمال، و قدر و منزلتی که وی نزد پادشاهان هند داشته و با خاندان های سلطنتی وقت معاشرت می کرده و به طبع مقداری از وقت او صرف این گونه کارها می شده و به حلقه ارادت شیخ نظام الدین اولیا از صوفیان صاحب نام هند نیز درمی آمده، باز حجم کارهای باقی مانده او شگفت انگیز است. وی علاوه بر شاعری نثر نیز می نوشته است: کتابی بسزرگ در دو جلد، به نام اعجاز خسروی مجموعه مناسبات اوست. آثار منظومش عبارتند از: چهار دیوان قصیده و غزل که هر یک مربوط به یکی از دوران های عمر او است: ۱- تحفة الصغر ۲- وسط الحیوة ۳- غزوة الکمال ۴- بقیة نقیة، که شعرهای او پسین دوران زندگی اوست. یکی دیگر از آثارش خمسه ای است که به پیروی از نظام می گنجوی سروده و بهترین تقلیدی است که از نظام می شده است و نام آن ها مطلع الانوار (در برابر مخزن الاسرار نظامی)، شیرین خسرو، مجنون و لیلی، هشت بهشت و آیینه اسکندری است. خمسه امیر خسرو جمعا "دارای هجده هزار بیت است. چند مثنوی کتاب دیگر نیز از او باقی مانده است به نام های: قران السعدین، تاج الفتوح، کولرانی و خضرخان، افضل الفوائد، تخلق نامه، مناقب هندوستان ریخ دهلوی.

بخت دربار زندهگی و شعرا میر خسرو نیا زمیند تا لیسف کتابی است در این مقام، داستان از هشت بهشت او، که به تقلید از هفت بیگانه می سروده است بیگزیده ایم و این مقدمه برای عرضه شدن آن داستان مذکور افتاد. هشت بهشت نیز سرگذشت داستان بیگانه گور است و ارکان داستان همان است که در هفت بیگانه آمده است. در هشت بهشت نیز ما نند هفت بیگانه دربار پادشاهان هفت اقلیم هر یک در یکی از شب های هفته برای بهرام افسانه ساز می کنند. این داستان را شاهزاده خانم نیروز در روز یکشنبه در گنبد عفرانی با زمی گوید و نام آن داستان حسن زرگر است. در نظر بنده این داستان سخت زیبا آمده است. امیدوارم خوانندگان عزیز قیام ایران نیز آن را بیستند. و ممکن است در آینده داستان های دیگری از این کتاب را نیز با آن در میان بگذاریم.

شهره در شهرهای روم و عراق حسنی نام و برهنه مردان گشته چون نام خویشان خندان هر چه بتوان زسیم و زبردخت

ساختنی آنجا نکه نتوان ساخت روزی حسن زرگر از زمین روی (= برنج) پیلی گران بساخت (با بدتوجه داشت که ذوب کردن و قالب گیری پیلی بدن بزرگی با وسایل آن روزگار کاری بسیار دشوار بود) و آن را در کمال زیبایی پرداخت کرد و برای آن که بتوان به آسانی راجا به جا کرد، چهار چرخ زیر آن نهاد و چون از نقش و نگار آن فراغت یافت، پیل را به کاخ فرمان رومی شهر برد و به کیلان درگاه او سپرد. پیش بردند و شاه کرد نظر

ماند حیران در آن کمال هنر پس اشارت نمود هم بشتاب تادهندش هزار من زرناب گفت خواهم ز چون تو استادی که نهی زمین نمونه بنیادی پیل کز روی کرده ای پرداخت سازی از زرنجان که باید ساخت زبرون برد مردچایک دست

نقد را سگه در عیار آورد دمه و کوره را بکار آورد روز و شب کوش و هنر میکرد و هنرکارا ز زر جوهر میکرد تا بر آراست از بی ماهی زنده پیلی فراخورشاهی چون شد آن بیکر شگرف تمام در زمان پیش شاه کرد خرام

کار خود کز هنر نداشت قیاس برد در پیش شاه کار شناس نه جوید آن نمونه کارش متحیر شد از نمودارش کرمش کرد و جار من زر داد مزد دستش چهار دیگر داد شاه پس از تحسین هنری که آن زرگر است در کار خود نموده

بود، بر پشت آن پیل نشست و در شهر به گردش درآمد. داستان پیل حسن زرگر بر سر زبان ها افتاد، مردم همه به تماشا می آمدند و گفتگوی آن در شهر افتاد. زیرکان و دانا یان چون این شاهکار هنر و زیبایی را دیدند خیره ماندند. اما آنچه نشا رحسن زرگر و پیل زرین ساخته است دست وی می شد فقط تحسین و آفرین نبود. جاسدان نیز به توفیق وی رشک بردند و برای بدنام کردن او و شکست آوردن در کارش، به کوشش درآمدند. یکی از آنان به دقت در پیل و وزن و عیار آن نظر کرد و اطمینان یافت که وزن پیل کمتر از وزن است و زرگر، مقدار زر از زر را خود برده است. در اندیشه شد تا چگونه این خیانت را ثابت کند. با خود گفت اگر این مطلب را به شاه بگویم، شاه به شکستن یا کد اختن پیلی که چندین هنر در ساختن آن به کار رفته است رضای نمی دهد، و اگر بگویم آن را وزن کنند، چنین پیلی در ترا زومی گنجد و اگر زبان را از سخن کوتاه کنم، مردی به تقلب زرا زخا نه، شاه برده است. سرانجام:

چاره آن شد که هم زخانه او آگهی جویم افسانه او بس با ندیشه گشت چاره گال (= چاره اندیش) تا برون آورد ز برده خیال جُست راهی بگوش و فن خویش آشنا ساخت با زش زین خویش

هر دم از تحفه های طبع انگیز گرد با زار دوستی را تیز آنجان گرم شد میان دو جفت که بتقریر بر زبان توان گفت شرط اطلاق را بهانه نماند را ز را برده در میان نماند مرد شیرین زبان و خوش آتام زهر در جفت (= گریبان) وانگین در کام دید چون بخته کار سازی خویش ریخت بیرون ز برده با زی خویش

وقتی دوستی آن دوزن بسیار گرم شد شبی مرد زدن را گفت: چون نزد کدبا نوبی حسن شوی، در فرصتی مناسب او را زهر دردی به گفتار در آور، و از زهر موضوعی بسا او سخن بگویی، آن گاه در گرما گرم گفتار به صورتی بسی غرضانه او را بگویی:

کانه جفت تو نقش پیل کشید ناقدان را به دیده میل کشید مثل این زیر سقف مینا سی در نیا دیده هیچ بینایی این شگفت ارچه سر سر هنر است لیک و زش از آن شگفت تراست

گر کسی خواهدش که بر سنجد در ترا زود ترست چون گنج سد سپس به زن هشار می دهد که مطلب را طوری با زن حسن در میان گذارد که سو طن وی را جلب نکند و مثلاً "ز جمله بدو بگوید که اگر کسی چنین کاری را بیداند دیگر به هیچ شهری مانده و رانمی توان یافت. بدین ترتیب زن خویش را کمال آما ده آن می سازد که را زینها ن حسن زرگر را دریا بد.

زن زیرک مزاج دور اندیش زیرکانه نهاد پایی پیش تحفه بی برگرفت و به برداشت رفت جایی که کار در سرداشت تحفه بی برد پیش کدبانو چون دگر بار گشت همزانو

که به افسانه و گهی بفسون از دلش خُرده می کشید بیرون تا وی از کار دادن خود بدلیل پرسد آئین بر کشیدن پیل هر نمط وصف کرد کالا را بیل و آن گنج پیل بالا را زیرو بالا نمود چندانش کز سخن موم کرد سندانش

کردش این سگه بر مزاج درست کز حسن وزن سگه دانند چست چون شب شد حسن به خانه نیا آمد، خوردنی بخورد و به بستر رفت. زن نیز در کنارش خوابید و به دل جویی شوهر پرداخت و از زنگنه گوی بسیار خصوصی همسران با یکدیگر سخن در میان آورد و سرانجام رفته سخن را به پیل و ساختن و وزن کردن آن کشید و به ستایش هنر شوهر پرداخت:

زهنرهای بیگانه تو رفت گرچه جهان کسانه، تو من ز تو قصه هر چه پیش کنم نا زهر همسران خویش کنم پیل زرین که ساز کرده است دری از سحر با زکرده استت هر چه از بیای دیدمش تا سر هست جای ز جای زیبا تر لیک یک مشکل آیدم بخيال

پرم اریا سخ دهی بسؤال حسن نیز در پاسخ زن گفت که من هر چه را که می دانم گراز همگی پنهن دارم، از تو نتوانم بوشید، آنچه در خاطر است می گذرد با زگویی تا در باره آن توضیح دهم.

زن بدو گفت کان خیال شگرف که در او زهرها ز من شد صرف صنعتش گرچه از حد افزونست صنعتش وزن کردنش چونست گرترا باشد این تصور جست که توان بر کشیدنش بدست آگهی ده که با خیر گسردم شادیم هست شاد تر گسردم

مرد گفتا که هست در مضم صدهنر بل که در هنر انگشتم لیک در خود نهفته دارم راز کز کس انصاف خود نیا بم باز گر نمایم هنر به هشیاران نبرم جان زدست همکاران

نفر گفت آن حکیم دوران ندیش که هنر هر چه پیش دشمن پیش حسن به روشنی از دشمنی همکاران با زن سخن می گوید احوال خود را از من نیز با زبونی با چه کس دیگر نتوانی گفت؟ آن گاه تا زوغمه را با سرزنش تو ام می کند و چون بر شوی خویش مسلط بود، چندان در این کاری ای افشرد تا خواهی به سخن گفتن رضا دادا دونمیدانه در پنا و آخرین سنگ خویش رفت:

گفت اگر بایدت که بی کم و کاست هر چه پرسی زمن بگویم راست عهد سو گند در میان باید کاین خزینه ز بندنگساید زن وثیقت نمود و بیمان بست که نیارد ب قفل را ز شکست آنگهی خواهی برگشاد زبان گفت با آفتاب نوش لبان

کانه پرسیده شد زمن بدلیل شکل و هنر بر کشیدن پیل آنجان باشدش طریق صواب که در آن رسد کشتی در آب در میان نش نهند پیل شگرف در مقامی که رود باشد ژرف پس ببینند در میان رود

چقدر می رود سفینه فرود چون حد آب را کنند نشان بیل بیرون کشند بیل کشان از گل و سنگ هم بر آن مقدار سخته سخته کنند کشتی بار تا خاطر آب برقرار رسد

وان تری بر نشان کار رسد آنقدر "من" که نشان باشد وزن و مقدار آن همان باشد آنک و زش گم است و نام مفهوم بیش و کم هم در آن شود معلوم

زن که این نکته را دریافت در شگفت شد. صبح که زرگر بر سر کار خویش رفت، زنی که در دوستی را بروی گشاده بود به دیدارش آمد و به گفتگو نشستند. سخن ایشان سخت دراز کشید، زن کوشید تا نکته وزن کردن پیل را از "خواهر خوانده" پنهان دارد، اما زن طرا آن سخن را نیز از او بیرون کشید و راست پیش شوهر فتنه انگیز مرد پر غیرت مخالف رای

یافت انگیزش بلا را جای پیش شه رفت و حال روشن کرد دوستی را بکام دشمن کرد گفت آن پیل زر که دانای ساخت ز آنچه دادی کم است در پرداخت

من چنان سنجش درست که شاه از کم و بیش او شود آگاه شاه به آسانی زیر بار نمی رفت. اما مرد گفت: پادشاه در موقع سنجیدن پیل ناظر کارها خواهد بود. اگر وزن آن کمتر از زرهای پادشاه درآمد، مال را از دست خویش بیستاد و اگر کم نبود خون بنده بر شاه حلال باشد. شاه گفت پیل را نتوان شکست و در این حالت نیز در ترا زو نتواند گنجید. مرد حیلتی را که از حسن برای وزن کردن پیل آموخته بود با زگفت. شاه دستور داد و پیل را بر کشیدند. معلوم شد که وزن آن نه صد من بیش نیست و

زرگر مدین از زر را نگاه داشته است: مرد متاع را ز قلابی (= تقلب) دست بستند به بی بی (= بی آبرویی) همچنان بسته پیش بردندش با مینا شه سپردندش وقتی شاه او را مورد با زخواست قرار داد، گفت من در تنگنای کم مزی این زر را برداشته و در خانه نهاده ام تا ببینم آیا کسی خواهدتوانست این فیل را وزن کند، تا به شاگردی او قرار کنم و آن صدمین زر را دستمزد دانش وی سازم. اما هیچ کس این کار نتوانست و من خود این راز را از زهره بیرون افکندم. شاه زرها را از خانه وی باز آورد و برای مجازات او:



هیچ دینی وجود ندارد که در آن، انسان و منزلت او در زندگی اهمیت بسیار نداشته باشد. ادیان، از جمله ادیان ابراهیمی، همه می‌کوشند و سعی می‌کنند تا انسان را، چنان که هست، به نمونه آرمانی انسان کامل، چنان که باید باشد، نزدیک سازند. انسان کامل هرگز وجود نداشته است و هرگز نیز وجود نخواهد داشت، با اینهمه فقط انسانی شایسته این نام است که مدام به سوی کامل حرکت کند.

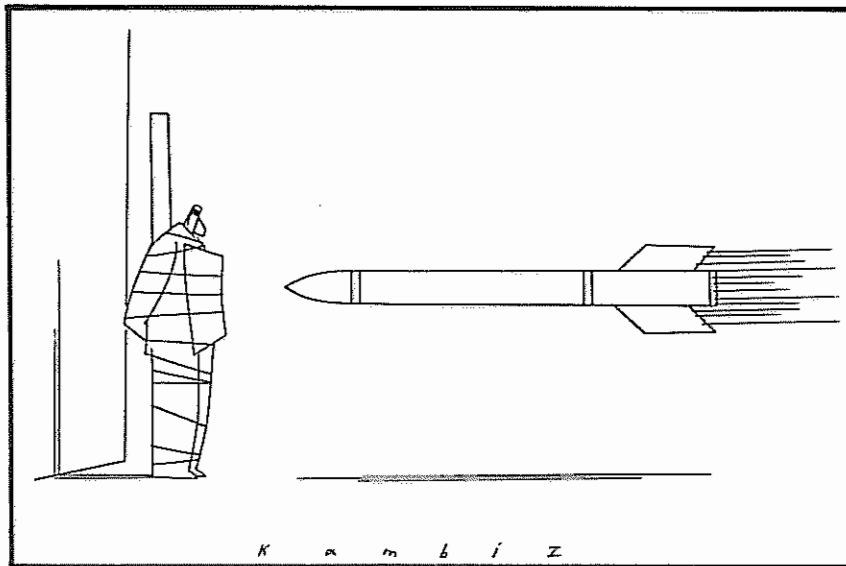
هر فردی، یا دستگاری یا حکومتی که راه این حرکت به سوی کامل را سد کند، ناگزیر خود را در مقابل یک اصل مهم اخلاقی قرار داده است. چنین مقابله‌ای هنگامی به زنده‌ترین وجه به چشم می‌خورد که حکومت سدکننده را کامل انسان، داعیه دینی نیز داشته باشد. از ایرادهای درخور تأملی که طرفداران تعالی اخلاقی انسان به جا معهای مادی امروز از جمله کشورهای پیشرفته صنعتی می‌گیرند یکی این است که انسان در آنها به صورت ابزاری و وسیله‌ای برای کسب قدرت اقتصادی یا هوسرانیهای سیاسی درآمده است. می‌گویند که انسان در این جا معها هدف نیست، وسیله‌ای است که می‌تواند برای دستیابی به هدفهای گوناگون بکار آید.

به هنگام چنین تاملات جامعه‌شناسانه - فیلسوفانه‌ای نگاهها تقریباً همواره متوجه کشورهای غربی بود، ولی انقلاب اسلامی در ایران سبب شد که توجه غرب به شرق نیز برگردد. برای هوسرانی سیاسی خود، در شخصیت انسان می‌کنند و لطمه‌ای که از این راه به منزلت او وارد می‌آورد، جز در رژیم‌های استبدادگام از نوع

کالای انسانی

فاشیستی و کمونیستی، همانندی نداشته است و ندارد. انسان برای رژیم‌تهرانی به صورت کالایی درآمده است که می‌توان آن را با اسلحه و پول مبادله کرد یا برای دستیابی به هدفی سیاسی مورد استفاده

انسانها می‌زنند تا بتوانند با گروکشدن آنها به معامله‌هایی که سودآور می‌انگارند، بپردازند. کاربدها رسیده است که یک روزنامه‌های فرانسوی کاریکاتسوری از رفسنجانی چاپ کرده بود در حالی که این کلمات از دهانش خارج می‌شد که: "برای



دعوت دولت اسلامی به ایران آمد و عاقبت سرازندان درآورد. ولی تنها رژیمی که در برابر جان مردم سرزمین خود هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کند، می‌تواند به چنان کارها بی‌دستی زند. به گروگان گرفتن آدمهای بی‌گناه برای دستیابی به هدفی سیاسی یا مالی، و به کار فرستادن هزاران هزار جوان و نوجوان بی‌گناه - این هر دو از یک چشمه آب می‌خورد. وقتی که رژیم به منزلت انسان بی‌اعتنا شد، دیگر برایش هیچ فرقی نمی‌کنند که قربانی او از کدام مذهب و جنس است، برایش دیگر فرقی نمی‌کنند که قربانی او از کدام گروه سنی است. او به همه قربانیان خود به چشم شیائسی می‌نگرد که می‌توان از آنها برای مقصودی استفاده کرد. طرفه این که در این رهگذر تقریباً همواره به سراغ شهروندان کشورهایی می‌رود که در آنها انسان دارای قدر و منزلتی است.

اگر جمهوری اسلامی با دولتی از نوع خود، یعنی بی‌اعتنا به منزلت انسان، اختلاف پیدا کند، محال است تبعه‌ای از آن دولت را به گروگان بگیرد، زیرا می‌داند که آن دولت برای اتباع خود ارزشی به همان اندازه اندک قائل است که جمهوری اسلامی برای شهروندان ایرانی.

ایران ما را به شوخی گرفته و تلخ، "سرزمین نان‌گران و جسیان ارزان" خوانده اند. ایران به واسطه رژیم جمهوری اسلامی چنین شده است، اما چنین نخواهد ماند.



جبران کاهش نرخ بربری دلار مجبوریم بیشتر آدم‌زدی کنیم!

این ملاحظه البته بی‌اختیار به ذهن شخص خطوری کند که در حالی که مردم بیگناه ایران در جبهه و پشت جبهه روز و شب کایوس مرگ و نیستی را در برابر می‌بینند، چه جای دل‌سوزاندن برای آن استادان دانشگاه‌ها و هیروت که به گروگان گرفته شده اند یا آن روزنامه نگاران که به

قرار داد. این تنها نوعی نگرش به انسان نیست که از کتاب "ولایت فقیه" آیت‌الله خمینی برآمده است که در آن فقیه در حکم شیطان و انسانها در حکم گوسفندند، بلکه شبکه‌ای گسترده و بین‌المللی از آدم‌ربانی‌ها که در گروگان‌داری رژیم‌تهرانی درست شده است. آدمهای این شبکه، هم‌گوش به فرمان رژیم‌تهرانی، به معنای درست کلمه دست به شکار

از هشت بهشت:

داستان حسن زرگر

بود میلی ز شهر یک فرسنگ از فرودش فراخ و بالا تنگ صدگزار خاک برکشیده بلند سرش ایمن ز نردبان و کمند شه بر آنکس که خشمناک شدی بُردی آنجا ش تا هلاک شدی نرسیدیش چون خور و آشام جندروی شدیش کار تمام شاه فرمود تا حسن را بر سر آن میل زندانی کردند و برادر آن قفل زدند و او را در آن بالاتنها گذاشتند و رفتند. حسن به پیرامون خویش می‌نگریست و اندوه و حسرت می‌خورد. ناگاه دید شخصی که میرسد از دور همجو پروانه در زیر پرت نور آمد آهسته بی‌رفیق و دلیل گام بر گام تا بسایه میل چون نگه کرد خواه یا رش بود آمد و ناله برکشید بلند گریه می‌کرد و روی مومی کند خواه گفتا که رفت چون تقدیر سودگی داردت فغان و بغیر اکنون باید برای رهای فکری کرد و چون گرفتاری من از سوی تو اتفاق افتاد با دیدن رهای شیم نیز تسو گامی برداری و آن این است که به شهر روی، و یک سیسر ابریشم و یک سیرقند تهیه کنی و بیای و وقتی زن رفت و از شهر آنچه را که شوهر خواسته بود تهیه کرد و بیای و رد دادش آواز و گفت: بر سر تار باره‌ای قند کن بزودی بار ده‌موری که می‌رود بر میل تا بالا ش می‌بزد تعجیل رفته از زود زود می‌کن باز

وانچه من زایل می‌زدم نفسی آنگار آنکرده‌ای به کسی من جراد چنین خرابه شوم کرد می‌ناله‌های زار جو بوم زن جو کرد این فسانه را در گوش گنجه ز خویش دید گشت خموش حسن زرگر زن را به حال خود گذاشت و به شهر رفت و در گوشه‌ای پنهان شد. زن نیز شب را به هر طریق که بود در آن زندان هولناک به سر برد. با مداد که مردم برای بردن هیزم و گاه را هشان بدان سوی افتاد، پیری روی زاری و فریاد آغا زنها دو چون مردم روی بدو آوردند، قهقهه خود و حیل‌های را که شوی با او کرده بود با زگفت. چون مردم به شهر با زگشتند داستان حسن به گوش شاه رسید که آن زرگر هنرمند زندان گریخته وزن را به جای خود گذاشته است. شاه از این چاره اندیشی زرگر مبهور شد. بفرمود تا زن را از برج به زیر آوردند. سپس به غلامان خود گفت تا به هر طریق که هست شوهری را به دست آورند. نقش بینان به جستجوی شدند درگاه و دشت و شهر کوی شدند آگهی یافت خواه پنهانی که بجان آمد آفت جانی دلش از بیم جان شکست گرفت کفن و تیغ را بدست گرفت پیش شه رفت و کرد زاری خویش شرمسار از گناهکاری خویش شاه پس از گفتگوی حسن، و سرزنش او از خیانت و سدر خوانستن حسن، بدو مهربانی می‌کنند و با خود می‌اندیشد که این یک بار را و را ببخشم و شغلی بدو بدهم. اگر بسا ز بر سر خیانت رفت سزا خواهد دید و اگر نه، قدرش فزونی خواهد گرفت. پادشاه در پی این اندیشه: در صفا خدمت اختصاص داد شغلی از شغل‌های خاص داد جندگاه از کفایت و تدبیر پایه و لاش گشت پیش سریر از خردکاری آن روایی یافت کز ملک تغل کدخدایی یافت تابدانی که هر که را خرد است آرزوهای در کنار خود است

* میل کشیدن به دیده معنی کور کردن است و در این مقام معنی بیت‌آن است که شوهر تو با این کاری که کرد چشم انتقا دکنندگان را خیره و بی‌بصیرت ساخت.

کزنشیش کشد بسوی فراز زن چنین کرد. موررشته ابریشم را بگرفت و بالا برد. چون نزدیک پنجره برج رسید، حسن از درون زندان تار ابریشم را از مورر بود. سپس زن را گفت: اکنون بسا دیگر بر تو به قدر صدگزار طلا ب محکم تا فته بیاور. زن به خانه رفت و چون چنین طنایی را در خانه نهادت برداشت و شتابان پیش میل باز آمد. حسن تا ابریشم را از بالا فرو افکند و گفت سر طناب را به این ابریشم ببند. چون زن طناب را در ابریشم فرو بست حسن ابریشم را بسا کشید تا سر طناب به دستش آمد. آن گاه به زن خویش گفت بر بند خویش را بر تن گفت زن چون توانی اندر زیر شدی از جان و زندگانی سیر من که این رنجم از برای تراست بر زبر بودم ز بهر چراست خواهی گفتا که تا شود معلوم که چسانم در این خرابه شوم زن بر آن گفته استواری کرد گریه با فغان وزاری کرد در کمرگاه چست کرد رسن تا کشد خویش را بسک حسن اوزبالا طلسم دیگر داشت با عروس انتقام در سرداشت طلقه‌ای بود آهنین در سنگ محکم و سختی فراخ نه تنگ سر رشته در او کشید نخست و ندر آن رشته کرد خود را چست لنگری نیز کرد با خود پیار وانگهی شد معلق از دیوار با چون سوی او گرانی یافت رسن از سوی زن روانی یافت میهمان شد منم بمیل بلند رفت در زیر میزبان بکند چون زن به برج برآمد و حسن از زندان بر زمین رسید، زن فریاد برداشت که این چه بی‌مهری و ستمکاری است که در حق من روا داشتی؟ خواهی گفتا که هر چه پیش آمد آدمی را ز فعل خویش آمد گردنانی تورنج پنهانم من که خون خوردم از تو میدانم گرتویگانه را ز سختی بیل رهنمونی نکرده‌ای به دلیل

نامه‌ها و نظرها



حاج تمام با قسمتی از نامه‌ها و موته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارگان مرکزی نیست. موافقت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با ما در تماس باشند. محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا غفست و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

جنگ تا به کی؟

بسیار استراتژیک و با ارزش در حمال حاضر به انبیا شده‌ای از خاک سوخته تبدیل شده است. شهری که موجب به‌وجود آمدن سبز و آبادی‌ها بود، شهری بندری بسیار اسکله‌ها بی‌زیبا و عظیم و با گمرکی مرکزی و مجهز که پیش از زنی می‌از می‌ساخت دلالت با زرگانی - صادرات و واردات ایران را به‌خود اختصاص داده بود. بیاد آن بعد از ظهور غم‌انگیز و متاثر کننده می‌افتد که اولین گلوله توپ دشمن از فاصله‌ای بسیار نزدیک در چند کیلومتری شهر، سمت خانه‌های بی‌دفاع و محروم مردم شهر و بوقولی مردم حصیر آباد شهر تلیکا شد و چندی از خانه‌های حصیری و قهقرا نه‌شهر را به‌همراه ساکنین آنها در آتش و خون فروبرد. مردم بی‌دفاع خرمشهر با ادامه شلیک گلوله‌های توپ دشمن به سمت شهر بناچار مجبور به ترک خانه‌ها و گریز شدند. در آن هنگام بدون آنکه حتی یک قلم زوسا مثل منزل خود را به‌همراه ببرند تنها بفرساکم بدر بردن جان خود از آن بلای مهیب بودند. ویراستی بجا بود آن زمان خون و آتش این رهبر مذهبی بسی دنیوت که ببینند اکثریت مردم یک میلیون نفری شهر را که بخاطر تعلق گرفتن بنزین تنها به‌خودروهای ارتشی بناچار مجبور به ترک شهر آن هم با بی‌ای پیاپی ده‌وپرنه به سمت تنها شهر امن یعنی اهواز با مسافت ۱۶۰ کیلومتری از خرمشهر آهسته‌آهسته در آن مسافت ۵۰ درجه و بر روی بوته‌های پراکنده بیابان شدند. مردم مصیبت دیده و زجر کشیده خرمشهر در آن لحظه نمی‌توانستند بسمت شهر آبادی که در ۵ کیلومتری خرمشهر قرار داشت پناه ببرند زیرا آبادی‌ها نیز در آن لحظه در محاصره کامل دشمن قرار داشت که پس از سقوط خرمشهر و تسخیر کامل آن توسط دشمن آبادی‌ها نیز زحمت‌های هوایی و توپخانه‌ای دشمن در آن‌ها نمایان شد و پس از

براستی این جنگ ناسرانجام و ناهامد بود تا به‌کی ادامه خواهد داشت؟ این سؤال تمام مردم میهن پرست و وطن دوست ایران است که در این ایام فطرت با او و بفرخ زندگی خود از یکدیگر می‌برسند. هموطنان عزیز ایرانی ما تا به امروز شناخت بسیار کاملی از عملکرد منافسی رژیم جلاد حاکم بر ایران طی هشت سال حکومت ننگین خمینی بدست آورده‌اند. مردم عزیز ما تاکنون بدرستی دریافته‌اند که رژیم فعلی حاکم بر ایران و در رأس آن رهبر فاشیست و بی‌هویت آن رژیم فاشیست هر نوع ارزش قانونی بوده‌ومی‌باست هر چه سریع‌تر با اتحاد همپای یکدیگر این رژیم منزوی را به‌زباله‌دان تاریخ بسپارند. اینجا نب‌بعنوان یک جوان وطن پرست و عاشق ایران عزیز و بعنوان یک فرد مهاجر جنگی از شهرستان خرمشهر با شما عزیزان صحبت می‌کنم: صحبت‌ها حاکی از بیگانگی جزئی از درد و مشقت هفت ساله جنگ بر روی تمام مردم ایران خصوصاً مردم وطن پرست خطه جنوبی است. بله مردم زجر کشیده و خون‌چکر خورده خوزستان از جمله خرمشهر عزیز، شهروندان و من و سایر هم‌وطنان جنوبیم. سعادت بسیار بسیار ارزش به‌من دست داده است تا در این مقطع از زمان و در کشور آلمان بتوانم محقق مسلم‌بیا و عقیده خود را که در کشور ما تم‌زده‌ام ایران کوچک‌ترین حقی‌برای بیان عقاید و نظرات مردم‌قائل نمی‌شوند. راسته نامیم. بله همیشه و در همه حال بیاد درو‌های فراموش‌ناشدنی و بسیار غم‌انگیز شروع جنگ‌ها تا نما نسوز هستم، جنگی که آغاز شد تا کنون بی‌سود و بی‌فایده و بی‌ارزشی و ذلت و آوارگی و بدبختی و تجاوز و فسق و فحاشی مردم عزیز کشور ما منجیسز دیگری به‌همراه نداشت است. برای نمونه‌ای گویا خرمشهر با موقعیت

مدتی کوتاه نیز تا هت‌تخلیه کامل سکنه شهر آبادی‌ها و تخریب تدریجی بزرگترین مرکز تصفیه نفت و بزرگترین لایشگاه کشور بود و چهره روزها و شب‌هایی که من بنا بودم در شهر آبادی‌ها نظاره‌گر سوختن تمام قسمت‌های لایشگاه کشورمان بودم که شعله‌های سربلک کشیده مسواد نفتی و بتزینی یا لایشگاه تا چندین کیلومتر خارج ز شهرمانند روز روشن کرده بود و من نیز که شیدا "منا" شراز این واقعیت بفرنج بودم برای از دست دادن بزرگترین سرمایه کشورمان آنهم یک قلم عظیم با تمام موجود می‌گریستم. و مصیبت‌های آلتنا ما پذیرا این جنگ‌ها تا نما نسوز نجا گذشته از تخریب اکثر شهرهای جنوبی کشورمان به‌دیگر شهرهای غرب و شمال کشور نیز سرایت کرد و در این مصیبت همگانی شهرهای دیگر کشور عزیزمان ایران را بی‌مصیبت نگذاشت.

با تقدیم احترامات بسیار محترم با سعادی - آلمان غربی

بهشت سرد و سپید

پنجره‌ها را که با می‌کنم، هوای سرد و منجمد بیرون دست‌ها و صورت‌ها می‌سوزاند، اینجا کجاست؟ بهشتی سرد و سپید که همیشه آدم برای فرار از آلتنا می‌ها به‌آن پناه می‌آورد، مگر زمین گرم خودمان چه‌کسما داشت؟ رهبری می‌خواست و پس‌که‌ما را با گرمای لحظه‌ها پیش آشنا کند و با دهنده‌ها که زنده‌بمانیم و زندگی کنیم و با کسی را که کما راه‌های خزر و کرانه‌های خلیج فارس را نشانمان دهد و با صدای بلند و رسا در گوش یک یکمان بخواند که ایرانی باید همیشه ایرانی بماند، اینجا قلب‌ها هم بیخ زده‌اند، آدم‌های اینجا وقت‌سپازی از کنارمان رد می‌شوند تا نگار که کوهی از سرما را به‌گوش ایرانی‌مان حواله می‌دهند و دیگر چشم‌های گرم و سیاه که صحبت از آن سرشار می‌شد گوهری نایاب است، چه‌با بید کرد؟... به‌چه‌با بید دل بست؟ که زندگی در این بهشت سرد را امکان دهد؟ من هر چه را که آلتنا از دست دادم اما لنتما، فرهنگ‌ما، سرزمین خویم را و از همه بالاتر خنده‌های محبت‌با را ایرانی‌ها بپراکند خون من در رگ‌های گرم‌مان جاری است، با این همه در این سرزمین سرد هنوز با چشم‌های من بر آتشک‌ها آنها و شما که مثل من فراموش شده‌اید با فریاد می‌گوییم، روزی بر می‌گردیم، روزی که ایران همان ایران باشد و هوای محبت در آن جریان بیابد، روزی با دست‌هایی پراز عشق بر می‌گردیم و سر بر خاک مهربانی می‌نهمیم بوسه‌سارانش می‌کنیم و با زتما موجودمان آن را که از دست رفته، بدست می‌آوریم، با می‌د همه آن چه‌که آرزوی هراس‌میرانی ایرانی دوست است. دیرسالی است که لنگر به‌غم نداشتیم

فکر بروا زوبریدن زسار نداشتیم آنچه‌جا در طلب یوسف آزادی بود در فراتر ق‌وطن از دروگوهرها خسته‌بیم. چاره‌ای نیست زیرا که ما این کفن را به سرسوزن خود با فته‌بیم و با بد خود نیز آن را پذیرا بشیم. من این را با رها گفته‌ام و با زهم می‌گویم که آلتنا س‌شکوه زندگی را فرو می‌ریزد و تمام ایران‌نیهای مثل من با آلتنا می‌خواهند که روزی برگردند و به‌شما که می‌گویند ایران مال ماست ثابت کنیم که ایران هرگز نخواهد مرد زیرا که ما همیشه با عشق به‌وطن زنده‌بیم

لیلی رحمانی - سوئد

فرهنگ ایران

جا در جداگانها ز نویسنده قسمت فرهنگ ایران تشکر میکنم که در نشا نندن تاریخ ایران و نویسندگان و شعرا و آلتنا مشهورشان سهم‌بزرگی دارند. بسیار ادعا نداشت که به‌غیر از بخش کوچکی از ایرانیان بقیه اطلاع موثقی یا اطلاعاتی از تاریخ و فرهنگ بسیار غنی ایران ندارند. و نکته اصلی و اساسی همین جاست که همیشه دشمنان با دورنگه‌داشتن مردم از این مسئله به‌شکال گوناگون - به صورت دیکتا توری و جبهه‌ها و با انان بصورت دیکتا توری جهل و جهالت ووا پسگراشی چندصاحبی حکومت‌شان را بگردانند، و موقعی که ما ایرانیان ادوار تاریخ و مبارزه اجدادمان را در راه حقا ق حقوق ملی میهن‌مان را نشناستیم نمی‌توانیم میهن عزیز را از جنگ دیوان و شیا طین برهانیم، و موقعی که ما ایرانیان میراث ایرانی‌ها که تا سیر بسزائی در تمدن دنیا داشته‌است، و مخصوصاً "که تا تاریخ و انسانیت از لحاظ ادب و هنر همچنین از لحاظ ظ‌دین و اخلاق به فرهنگ ایران بسیار مدیون است. ایرانی‌ها که در هنر و موسیقی که بط‌سور مستقیم و غیرمستقیم در موسیقی قرون وسطی اروپا تا شیرداشته‌است همچنین در هنر معماری، موقعی که تمام این افتخارات را با شناسیم و به‌اصالت ایرانی خود واقف باشیم در آن موقع است که می‌توانیم بدون وابستگی و به دست‌توانای ایرانی ایران عزیزمان را بسازیم. و در آن موقع است که می‌توانیم جواب س‌وال نویسنده و فیلسوف فرانسوی منتسکیو که در کتاب‌نامه‌های ایرانی می‌پرسد چگونه می‌توان ایرانی بود، جواب قاطع و روشنی بدهیم و خواهم گفت با تمام افتخارات ذکر شده راستی چگونه می‌توان ایرانی نبود؟

جعفر مالحیان - آلمان غربی

سخاوت احمد خمینی

همچنان ادامه‌باید. بنا بر این مادر ایران شا‌هدشکل گرفتن قدرتی تازه از درون آشفتگی انقلابی نیستیم، بلکه شاهد ادامه آشفتگی انقلابی هستیم که از درون آن، بسیاری کسان دست‌ویائی می‌زنند بلکه بتوانند ساجل نجاتی برای خود پیدا کنند. هر کسی که بخواد پس از مرگ خمینی وضع آشفته ایران را سامانی دهد، نباید میراث خمینی را ادامه دهد، بلکه باید بر این میراث غلبه کند. و چون میراث خمینی، حتی اگر خود و نیز چند صبا حسی دیگر زنده‌بمانند، دیگر ادا م‌دادنی نیست، قدرت در ایران فردا از آن کسی است که آهنگ غلبه بر این میراث را بکند. و درست همین جاست که این پرسش مطرح می‌شود: بخت رفتن ساجل‌نی یا هر کس دیگری، مثلاً "منتظری، برای غلبه بر میراث خمینی چقدر است؟

بقیه در صفحه ۱۱

توانست، کشوری بهم‌ریخته را که هر نیروئی آن را به‌سوئی می‌کند، جمع و جور کند؟ او در این رهگذری‌ها خواهد ته‌مانده اقتدار آیت‌الله خمینی را در کفه خود بگذارد. این، در نبرد قدرتی که جنان‌چه‌ای گوناگون رژیم‌آخوندی را در برابر یکدیگر قرار داده‌است، فهمیدنی است. لیکن در دا و ریبائی که در باره تحولات ایران پس از خمینی می‌شود، هرگز نباید این واقعیت اساسی را فراموش کرد که آیت‌الله خمینی تمام قدرت خود را از برای کندی کا نونهای تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی بدست آورده بود. به عبارت دیگر، رژیم اسلامی خود هر می‌ساخت که خود در رأس آن قرار داشته‌باشد، بلکه گذاشت که تا شیرا انقلاب در جهت زوال قدرت مرکزی

ایران بکند. همه‌دارند خود را برای دوران پس از خمینی آماده می‌کنند. پیش‌درآمد این دوران، که شدت یافتن جنگ قدرت یک علامت آشکار آن است، از ما هها پیش‌آغاز گردیده‌است. می‌گویند اگر رفتن ساجل‌نی در این جنگ در مناسب‌ترین موقعیت قرار دارد، ایسن البته برآورد روزنا م‌نگاران غربی است که از دوریا نزدیک به‌نظاره‌مصنعه سیاسی ایران می‌بردازند. ولی مسئله چیزی کوچک‌تر از قبضه کردن قدرت در سرزمین آشفته و آشوب‌زده‌ای نیست که انقلاب اسلامی آن را به‌چندین باره سیاسی تقسیم کرده‌است. س‌والی که پاسخ منفی آن پیش‌پیش‌روشن است، این است که آیا رفتن ساجل‌نی خواهد

مهدی با زرگان در نامه‌ای سرگشاده، از رفتن ساجل‌نی س‌والی می‌کند، ولی جواب خود را از احمد خمینی می‌گیرد. با زرگان از رفتن ساجل‌نی می‌پرسد که این جنگ ویرانگر تا کی باید ادامه‌باید؟ احمد خمینی، البته از قول پدرش، پاسخ می‌دهد: تا آخرین قطره خون ایرانیان. در خورتوجه است که برای نخستین بار، احمد خمینی از پدرش روح‌الله نه‌به‌عنوان "امام" بلکه به‌عنوان "پدری‌برمن" یاد می‌کند. او در عین حال که خود را وارد دعوی با زرگان - رفتن ساجل‌نی کرده‌است، می‌خواهد یادآوری کند که وقتی پای ریختن خون ایرانیان در میان باشد، خمینی جوان به‌هیچ روی کمتر از خمینی پیر سخا و تمند نیست. بسیاری نشانه‌ها حکایت از آن دارد که احمد خمینی سخت به‌دست‌ویا افتاده‌است تا به‌باری رفتن ساجل‌نی از یک سو، و صادق طباطبائی از سوی دیگر، جای خالی روح‌الله خمینی را در محنت سیاسی

مسائل حقوق

قرارداد کنسرسیوم حاوی بعضی مطالب حقوقی نیز بود به این شرح: قرارداد جزی با توافق طرفین...

تعیین عمران غرامت

از ابتدای مذاکره درباره قرارداد کنسرسیوم نمایندگان شرکتها اظهار کردند که شرط حتمی عقد چنین قرارداد تصفییه موضوع غرامت شرکت نفت انگلیس است...

قرارداد کنسرسیوم شرح داده شده است و خلاصه آن اینست که پس از تحسین با آوردن دعای و مطالبات طرفین مبلغ ۲۵ میلیون لیره بعنوان تفاوت خالص دیسمن ایران تعیین گردید و دولت ایران تعهد نمود که آنرا در ده قسط سالانه بپردازد...

فواد روحانی

۶۲

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست آخرین قسمت

عملیات صنعت نفت خوددخیل نمود. حال چنانچه این نکات در نظر گرفته شود، مجموع غرامتی که ایران بعه شرکت نفت انگلیس پرداخته است حداقل بالغ بر ۱۴۷ میلیون لیره (۲۵ + ۲۱ + ۵۱ + ۵۰ میلیون) خواهد بود...

بک نظر کلی بر قرارداد کنسرسیوم

قضاوت صحیح درباره قرارداد کنسرسیوم جزا بین نمی تواند نبود که این قرارداد با قانون ملی شدن نفت مطابقت نداشته یعنی موافقت آن با قانون مزبور محدود به جنبه های صوری و تشریفاتی و فرعی بود...

سرلشکرزاهدی:

... در دنیا کمترین اتفاق می افتد که بشربه هم آرزوهای خود در حد کمالات نائل شود چنانکه ملاحظه خواهید فرمود این مشکل نفت به بهترین وضع ممکن حل شده است.

دکتر امینی:

... ما مدعی نیستیم که راه حل ابدال مشکل نفت را پیدا کرده ایم و قرارداد فروشی که بسته ایم همان چیزی است که ملت ایران آرزوی کند... زیرا راه حل ابدال برای ملت ایران روزی بدست خواهد آمد که ما آن قدرت و شروت و وسایل فنی را پیدا کنیم که قادر به رقابت با کشورهای بزرگ باشیم...

البته درست ترین بود که ایشان بجای این عبارت می گفتند: "ولی می توان گفت که شرایط هیچ یک از قراردادها نمی تواند که تاکنون راجع به معاملات نفت در کشورهای جهان سوم تنظیم شده است از شرایط این قرارداد دهبهتر نیست."

پایان

کشته های مدرسه

یک گزارشی از شهر میانه حاکی است که بمباران این شهر ساعتی بعد از ظهر روز ۱۸ بهمن ۱۳۶۵ در نتیجه تعدادی کشته و مجروح شدند. در میانه میان، غیر از دبستان دخترانه، تارال و دبیرستان زینبیه و گرما به نور، مرکز سبزه آساران بر اثر بمباران بمب بمباران شد. رژیم در شهر شایع کرد که مرکز سبزه آساران که هدف حملات هوایی واقع شد قبلاً تخلیه شده بود.

از سوی دیگر مدیره حزب اللهی دبیرستان زینبیه با ممانعت از خروج دانش آموزان، موجب مرگ بسیاری از آنها شد. این مدیره حزب اللهی هنگامی که هواپیماهای عراقی در آسمان شهر ظاهر شدند جلو دانش آموزان را که هجوم آورده بودند تا مدرسه را ترک کنند، گرفت. در نتیجه خود وی و تعداد زیادی از دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله به وضع فجیعی به قتل رسیدند. مردم میانه که از اقدام مدیره مدرسه با نفرت پادمی کنند، تاکنون بارها دست به اعتراض زده اند.

تایید فروش اسلحه

به نوشته روزنامه ها میزاج پلیندن، "لرد ترف گارن، وزیر مشاور انگلستان در امور تسلیحات، در مجلس عیسان انگلستان از فروش سیستم های رادار به جمهوری اسلامی جانبداری کرد. لرد ترف گارن اظهار داشت: فروش رادار به جمهوری اسلامی، سیاست دولتیست انگلستان را مبنی بر عدم تحویل جنگ افزار به جمهوری اسلامی نقض نمی کند. وزیر مشاور دولت بریتانیا در امور تسلیحات، افزود: شرکت "پله سی" تنها سیستم های رادار را در جمهوری اسلامی می فروشد که قرار است بطور گسترده در مرزهای شمالی و شرقی ایران با شوروی نصب شود. وی افزود سیستم های مذکور جنگ افزار به شمار نمی آید.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ فوریه

اخراج خبرنگار

به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، جرال دسا یب خبرنگار نشریه وال استریت جورنال، روز ۵ فوریه از ایران اخراج شد. وی دیگر مجاز نیست به ایران باز گردد.

جرال دسا یب که به اتهام جاسوسی به نفع اسرائیل در تهران با زداشت شده بود از سال ۱۹۸۵ در قاره فعالیت می کند و دو هفته پیش به دعوت رژیم اسلامی برای بازدید از زبیه های عملیات کربلای ۵، همراه مدت روزنامه نگار خارجی وارد تهران شد.

بر اساس همین گزارش، میرحسین موسوی نخست وزیر اسلامی در پایان جلسه هیئت دولت اسلامی در روز ۵ فوریه اعلام کرد جرال دسا یب طرف دوسه روز آینده از ایران اخراج می شود. وی گفت: چرا که سایب درجه بندی جنگ، اطلاعات مشکوک جمع آوری می کرد. اما اکنون پس از تحقیق مسئله روشن شده است.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع موثق جمهوری اسلامی می نویسد: جرال دسا یب، خبرنگار نشریه وال استریت جورنال که شنبه شب ۳۱ ژانویه در تهران با زداشت شد سعی بر آن داشت تا اطلاعاتی درباره ی شخصیت های طرفدار آمریکا در برطن حکومت اسلامی به دست آورد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، بدون ذکر نام این خبرنگار را، اعلام کرده بود که وی متهم به جاسوسی به نفع اسرائیل است. به گفته ی خبرنگاری جمهوری اسلامی این خبرنگار ربا یک گذرنامه جعلی، اما با کارت مطبوعاتی واقعی، وارد ایران شده بود.

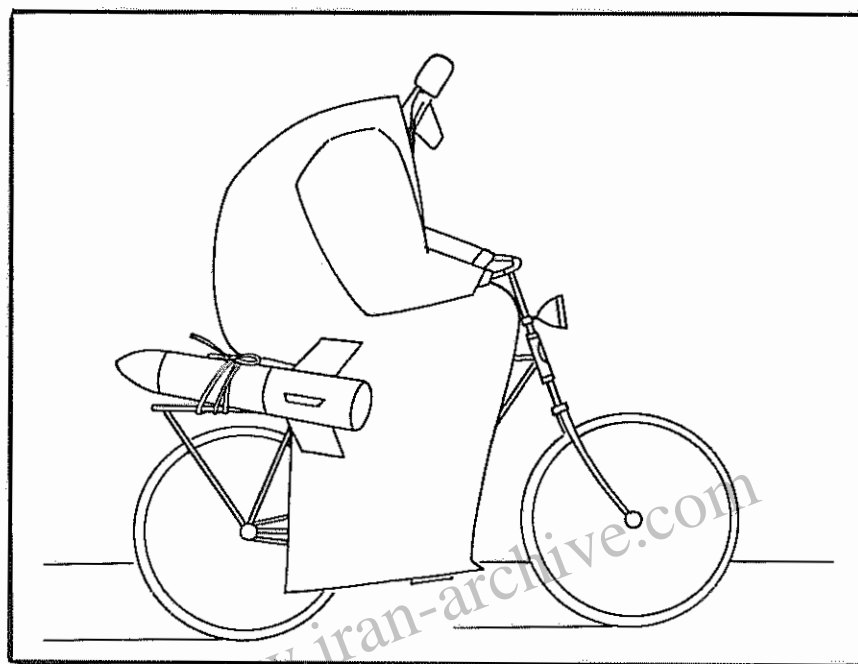
تقلب اشکار در ارقام بودجه

بحث در باره لایحه بودجه‌ای که اخیراً از سوی میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم به مجلس شورای اسلامی داده شده است، بخاطر اینکه در کلیات و جزئیات ارقام بودجه آنقدر مسأله ضدونقیض، اعداد غیرواقعی و پیش بینی های مالی خولیاکی و مزورانه بکار رفته است از جهت بی فایده و اصولاً بدور از شأن یک نشریه جدی و منطقی است، لذا با همه ضعف‌هایی که در آن دیده میشود مسئله در حقیقت بصورت یک نمایشنامه فکا هی درآمده است از بحث در آن درمی گذریم، زیرا تجزیه و تحلیل اینگونه لوایح بدون اصل و ریشه تنها درخور همان نمایندگان نیست که با یک اثاره مسئولین خوشرقعی آغاز می کنند و با اثاره های دیگر خفکان همه وجودشان را فرا می گیرد.

اما آنچه که در این زمینه گفتنی است تلاش مذبحو نه و فریبکارانه رژیم برای جایگزینی عایدات صادرات غیر نفتی بجای درآمدهای حاصله از فروش نفت است که اصولاً اگر در گذشته و حال و آینده تفکری اساسی و بدون ریا و تزویر در این مورد بعمل آید راهی درست و منطقی پیش گرفته شده و عملی قابل تامل و تحسین خواهد بود.

با زرگانی رژیم در افزایش این رقم صوری و بدون محتوی دست افشانی و پاکبویی می کنند و کودکا نه شکلک درمی آورند و از سوی دیگر محسن نوربخش رئیس پیشین و مغضوب بانک مرکزی جمهوری اسلامی که شا بدبختی طر گفته های تقریباً صادقانه اش با خفت و خواری کنار گذاشته شده است بخاطر اینکه اثرات تبلیغاتی سوء و غیرحقیقی رژیم را خنثی نماید به

آنهانیزا ۶۳ میلیون دلار تاجا وزنکورد بطوریکه جمع این دو رقم به افا فیه سایر محصولات صادراتی رژیم رقمی حدود ۱/۵ الی ۱/۹ درصد کل درآمدهای ارزی ایران را تشکیل می دهد (بقیه مربوط به فروش نفت است) با این حساب اگر فروش نفت را در سال گذشته به میزان ۱۵ میلیارد دلار در سال بحساب آوریم



هما نظریه قبلاً" اثاره شد با تنزل درآمد ارزی حاصله از فروش نفت از نظر محاسبات درصورت مدفروش مواد غیرنفتی نسبت بدرآمد نفت افزایش صوری را نشان می دهد.

در این آشفته با زار جالب ترا ز همدسه مطالعه نشریه ۱۴ صفحه ای است که تا ق با زرگانی و صنایع و معادن ایران (ضمیمه هفته نامه شماره ۱۲ دیماه ۱۳۶۵) تحت عنوان: "راهنمای صادرات کالا، منتشر شده و اخیراً بدست ما رسیده است. در این نشریه که واحد گمرکسی تا ق با زرگانی آنرا تهیه و تنظیم کرده است، ضمن انتشار اطلاعاتی برای صادرات انواع فرآورده های غیرنفتی و تشویق تجار به این فعالیت و تشریح مطالبی بی سر و ته در زمینه، چگونه میتوان کالای

صادرات در کرد. واردات در مقابل صادرات، پیمان ارزی و غیره در پیمان لیست با لایبندی از انواع کالاهای صادراتی منتشر شده که از نظر اینکه خوانندگان به اهمیت این نوع کالاهای صادراتی آگاهی یابند و با آشنایی از این طریق چه میزان هنگفتی بدرآمدهای ارزی کشور افزوده خواهد شد تنها به چند قلم اثاره می شود: کتک - قهوه قوروت - هسته خرما - نجوچک - علف خشک بیابانی - بذرسبزی و صیفی با ستنشانی تخم هندوانه و تخم خربزه - سفزه - اسفند - چوبک - گل سرگون - گل تاج خروس وحشی - گل و ریشه ختمی - ریشه سریش و بدنبال این اقلام به تعدادی از انواع میوه و تره بار اثاره میشود که مردم ایران خود برای دستیابی به آن همدار حسرت و اندوه فرا ردا رند و با لایحه صادرات فرس و صنایع دستی که متأسفانه در زمینه صادرات فرس و صنایع دستی در ایران رقابتی سر سخت و در عین حال قانعی پیدا شده است که این فرآورده معروف کشورمان نیز بتدریج با زار خود را از دست می دهد.

هم میهنان عزیز!

هر روز تلخ خبری نهفت مقامت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

استناد گفته های قبلی خود در باره اینکه صادرات غیرنفتی هیچگاه قادر نیست از حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون دلار افزایش بیشتر داشته باشد مجدداً در روزنامه کیهان چاپ شهران چهارم دیماه ۱۳۶۵ بصراحت اعلام میدارد: "آنچه مسلم است نفت همچنان به عنوان بخش مسلط اقتصاد ایران در ارقام بودجه نقش مهمی دارد و خواه همداد شد و اگر اخیراً درآمدهای غیرنفتی نسبت بدرآمدهای نفتی افزایش نشان می دهند نباید واردات کالاهای چینی درآمدهای افزایش یافته است، بلکه فقط ارزش در صدی آن از افزایش ظاهری برخوردار بوده است" یعنی

درآمدهای ارزی غیرنفتی به حدود ۲۵ الی ۳۰۰ میلیون دلاری رسد، اینک که فروش نفت به حدود ۷ میلیارد دلار در سال تقلیل پیدا کرده مسلماً درآمدهای ارزی حاصله از فروش مواد غیرنفتی بسیار وجودنا بت ما ندن رقم ۳۰۰ میلیون دلار نسبت بدرآمدهای حاصله از فروش نفت رقمی دو برابر نشان می دهد. و این همان تقلب و تزویری است که آخوندها در زمینه افزایش صادرات غیر نفتی عمل کرده اند و نه ملت بلکه خودشان را به مضحکه و تمسخر کشانده اند. جالب است از سویی میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم و عابدی جعفری وزیر

زنده مانده هوا پیمانی می اندازد که چندین سال پیش در کوه های "آوند" سقوط کرد. آنجا، بر اثر چند روز گرسنگی ماندن، سرانجام گوشت مسافرانی را که مرده بودند، خوردند. یکی از آنان، پس از آن که نجابت یافت، گفت تا عمر دارم، نخواهد توانست از کوهت کاری که شده است خلاصی یابد. برخی از آنان که کارشان به شیمیا رستان کشید.

و امروز، مسلمان فلسطینی، چون نمی تواند مرده خواری کند، از خمینی اجازه می خواهد که هم اردوگاه خود را، با بجا آوردن مراسم ذبح اسلامی، طعمه خویش سازد. خمینی که اینهمه در کرامت جنگ سخن می گوید، یک لحظه بنشیند و با خود بیندیشد که اگر جنگ مسلمانان با مسلمانان جنگ برادر کشتی - نبود، آیا چنین وضع هولناکی برای مسلمانان پیش می آمد؟

امروز در جنگ داخلی لبنان این را برای مسلمانان اردوگاه و برج البراجنه پیش آورده است، و فردا می تواند در جاهای دیگر نیز چنین اتفاق بیفتد. اسلام خمینی که مدام خون تازه می خواهد، فقط به خونریزی بسنده نمی کند، دارد مسلمانان را به چنان فلاکتی می اندازد که گوشت تن یکدیگر را نیز بخورند.

لحظه ای در صورت آن درنگ نخواهد کرد. اسلامی خمینی با این داعیه به میدان آمد که مسلمانان را از درماتنگی و پستی به مقام منزلتی درخور انسان برساند. اما در عمل کار را بدینجا رسانده است که مسلمانان، برای آنکه فقط زنده بمانند، می خواهند زگوشت مسلمانان دیگر تغذیه کنند.

رسم آدمخواری که یادگاری از توحش برخی قبایله های آفریقا بود و امروز در جهان بر افتاده است، دوباره به شکرانه جنگ مسلمانان با مسلمانان که خمینی به درست بودن و شرعی بودن آن فتوا داده، در قلب یک سرزمین خاورمیانه ای با اکثریت مسلمان زنده شده است. اسلام خمینی نه تنها بدترین یادگار توحشی را که در قبایله های دور افتاده آفریقا وجود داشت، زنده می کند، بلکه رسم سیری شده ای را در جنگها بیاد می آورد که قشونی شهری را چندان در محاصره نگامیداشت تا از فرط گرسنگی سربسته تسلیم گذارد.

ناگفته پیداست که برخی از گرسنه ماندگان در اردوگاه و برج البراجنه، ممکن است بی آنکه منتظر فتوای خمینی شوند، گوشت نزدیکان خود را خورده باشند. این انسان را بی اختیار به یاد دینشندان

یا فتانند.

درخواست شوم و کراهت آور از خمینی تا فتوای در این باره صادر کند، بی سببی نیست. فقط خمینی، مرد فتوای عجیب و غریب، می تواند اینگونه خیمه باسرو بسازد، چنین فتوای صادر کند.

وقتی اوفتوادا ده گوشت یخ زده و ماهی خاویار حلال است، برخی این را حمل بر فتوادا جنگ مسلمانان با مسلمانان اشکالی ندارد، معلوم شد که آدمخواری جنگ، شایسته ترین کارگزار رومدیر خود را یافته است. و امروز خمینی می تواند به حکم فتوا به مسلمانان در محاصره مسلمانان قرار گرفته، امکان دهد که کار در حلق برادران و خواهران و فرزندان خود بماند.

اگر خمینی چنین فتوای صادر می کند، این به هیچ روی دلایل انسانی ندارد، بلکه دلایلی کاملاً سیاسی دارد، اگر اسباب کار را از حیث سیاسی مساعید بیند

رژیم مملکتی از کوچکترین تا مهمترین آنرا به مسخره گرفته و تمام ملامت را برایش می پاشد، تصور می کند در این زمینه نیز قاطعاً در است با اعداد و ارقام بسازی کند و مسأله اقتصاد را با تره های نظیر امدادهای غیبی، الهامات و توصیه های اما مت و غیره تجزیه و تحلیل نماید.

اگر میرحسین موسوی معتقد است که درآمدهای حاصله از صادرات غیرنفتی نسبت به درآمدهای حاصله از فروش نفت است تنها به افزایش چشمگیری داشته است تنها به این خاطر است که فروش نفت در سال جاری از میزان سال گذشته تقریباً "به حدود نصف تقلیل یافته و در چنین حال و احوالی بدیهی است چون درآمد حاصله از صادرات غیرنفتی همچنان ثابت باقی مانده است لذا نسبت حاصله از افزایش نشان می دهد بدون اینکه در کیفیت ارقام تغییری حاصل شده باشد.

برای روشن شدن موضوع لازم به توضیح است که بنا بر گزارش مجله معتبر و اقتصاد "مید" چاپ لندن مورخ ماه اوت ۱۹۸۶ مهمترین صادرات جمهوری اسلامی در سال پیش، پسته، خرما، شیرین بیان و خاویار بوده است که توانست مبلغ ۵۹ میلیون دلار از این باب درآمدها داشته باشد. پس از آن نوبت قالی، گلیم و جاجیم و صنایع دستی میرسد که عایدی دولت از

فتوای آدمخواری

جنگ جمهوری اسلامی و عراق و جنگ داخلی لبنان، مسلمانان را فقط به خون یکدیگر تشنه نکرده است، آنان نه تنها خون یکدیگر را می ریزند، بلکه در آستانه این قرار گرفته اند که گوشت یکدیگر را هم بخورند. وقتی خبر گزارها این خبر را از بیروت مخابره کردند، به نظر راست نمی آید، ولی عین حقیقت بود.

بیست هزار فلسطینی ساکن در اردوگاه برج البراجنه، پس از آن که ۷۲ روز تمام چنان در محاصره شیعیان امل قرار گرفتند که راه رساندن خوراک به آنان بسته شد، از آیت الله فتوا خواستند که به آن ها امکان دهد گوشت کسانی را که از فرط گرسنگی نای زندگی ندارند، بخورند. آنها گوشت سگها و گربه ها را، البته بی فتوا، خورده اند و اکنون که دیگر سگ و گربه های در اردوگاه نیستند، اجازت می خواهند که زگوشت انسانان که سالهاست در کنار آنان زندگیکرده اند، تغذیه کنند. و این را نیز مندفقتسوا

هشدار شوروی

بقیه از صفحه ۱

سیاستمداری که چنددهه تمام کوشش به زیر و بم سیاست بین المللی آشناست، و حرفهايش را، پیش از آن که بگوید، در ترا زومی گذارد و می سنجد بسیار در زور توجه و شنیدنی است.

گرومیکوهرگز به عنوان انسانی اهل احساسات، آنهم در سیاست، شهرت نداشته است. اگر می گوید که جمهوری اسلامی نباید بگذارد که گورستانهايش از کشتگان جنگ پر شود، داردهشدار خطیری می دهد که اگر به گوش زما مداران جمهوری اسلامی فرو نمی رود، ایران نیا نی را که برای گرفتن بیامهای پرمعنی گوش حساسی دارند، در اندیشه فرومی برد. وقتی گرومیکو در یک گفتگوی "صریح و جدی" می گوید: گورستانها ییتان را از کشتگان بیشتر. جنگ پرنکنید، بیهوده هیچوجه قصد تبلیغاتی ندارد. سخنان گرومیکو در واقع می تواند پاسخی به ادعاهای هاشمی رفسنجانی باشد که گفت منظور از حمله کربلا ۵ درهم شکستن ما شین جنگی عراق است. گرومیکومی خواهد فهمید که اندک این ماشین جنگی، نه تنها در هم نمی شکنند بلکه، هنوز می تواند گورستانهای ایران را از اجساد به مراتب بیشتری پر کند. هنگامی که کسی در سطح گرومیکو چنین حرفی می زند،

خوب می دانند چه می گوید، زیرا وی مسلماً "بهتر از زهر کس دیگری از چند و چون ما شین جنگی عراق خبردارد.

هاشمی رفسنجانی می گوید که جمهوری اسلامی نمی خواهد شهرهای عراق را به تصرف در آورد، بلکه می خواهد ما شین جنگی این کشور را منهدم کند. فقط ساده لوحان هستند که متوجه نمی شوند، پس از آن که ما شین جنگی یک کشور درهم شکست، تصرف شهرهای آن دیگر به لشکر کشی نیازی ندارد، بلکه فقط یک پیاپی ده روی تفریحی خواهد بود. اکنون این شخص آقاسی گرومیکو خواست که، صریح و جدی می گوید شوروی اجازه نخواهد داد ما شین جنگی عراق منهدم شود.

شوارنادزه، پیش از مسافرت ولایتی به مسکو، در دیداری با سفیر رژیم تهران در شوروی گفت که دولت او برای این سفر اهمیت بسیاری قائل است. اگر ایمن سفر بر استی اهمیت داشته باشد در همین است که بلندپایه ترین مقام شوروی، رودرو، به بلندپایه ترین مقام می از جمهوری اسلامی که تاکنون به شوروی سفر کرده، گفته است که موضع این دولت در قبال جنگ جمهوری اسلامی و عراق چیست.

شوروی با عراق بیما دوستی بیست

سالهای دارد، شوروی در این جنگها، مینکننده اصلی اسلحه برای عراق است، شوروی فرصت بزرگی بدست آورده است که نه تنها زمینه های ازدست داده را در خاورمیانه، عربی، دست کم تا حدی، دوباره بدست آورد، بلکه تسخیر زمینه های تازه ای را نیز در چشم انداز می بیند.

آیا عقل باور می کند که این همه دستاورد را که حاصل سالها تلاش پیگیر بوده است، در برابر بریلند پروا زیهای جنون آمیز مردی خود سرو خود کا مه سودا کند؟ آیا شوروی حاضر است نتیجه این زحمات را، به افسانه باورپذیری و آبروی خود، ما به بگذارد تا آیت الله خمینی به هدف جنگی خود برسد؟

شوروی خوب می داند که آیت الله با پیدر همین مرزهای بین المللی ایران و عراق متوقف شود، و گرنه هرگز متوقف نخواهد شد. شوروی خوب می داند که بی ثبات شدن منطقه به وسیله صدور انقلابی اسلامی از نوع آنچه در ایران اتفاق افتاد، چه پیاپی مدها می خواهد داشت.

علی اکبر ولایتی لابد پاید این قدر شعور داشته باشد که این حرفها را بفهمد. و رهبران شوروی بیگمان در مذاکرات "صریح و جدی" این حرفها را با وزده اند. ولایتی پیش از رفتن به این سفر به دیدار خمینی رفت، ولی فاش نشده که در این دیدار چه گذشت. ولایتی پس از بازگشت از این سفر نیز احتمالاً به دیدار خمینی رفت و به وی حرفها می زده است که خمینی اصلاً دوست ندارد ریدشود.

محمودیه منا به حمله به سیاست رفسنجانی تعلق شده است. مهدی هاشمی وعده زیادی از ایران نزدیکش ظاهر "بنا به خواست رفسنجانی در میزبان گذشت به جسم خیا نت و سوء استفا ده از قدرت دستگیر و زندانی شده اند.

واشنگتن پست - ۵ فوریه ۸۷

جنگ بی رحمانه قدرت

لورن جنکینز، خبرنگار روان شنگتن پست که در تهران به سرمی برد، در گزارشی زیر عنوان: "جنگ قدرت میان جناحها در تهران بالایی گیرد" می نویسد:

جنگ قدرت بی رحمانه میان جناحهای آخوندی رژیم تهران بر سر جانشینی آیت الله خمینی، شدت می گیرد. دیپلماتهای خارجی و تحلیل گران سیاسی در تهران می گویند حداقل از نه ماه پیش که نشانه های خرابی وضع جسمی رهبر ۸۶ ساله انقلاب که - بیما رقلبی و سرطان پروستات دارد - آشکار شد، جنگ قدرت سختی بالا گرفته است.

خبرنگار روان شنگتن پست می نویسد: در اختلافات و منازعاتی که میان مسراکنز متعدد قدرت در رژیم اسلامی وجود دارد، آیت الله خمینی همواره نقش داوری ملی را داشته است که آخرین کلام را بر زبان می رانده است. اما عقیده مفسران ایرانی و خارجی بر آن است که با مرگ آیت الله خمینی نبرد قدرت بی پرده و خشونت باری در میان سران رژیم اسلامی در خواهد گرفت.

در راه س مهم ترین مراکز قدرتی که به گونه دونیروی خصم در برابر هم بیستاده اند از یک سو آیت الله حسین علی منتظری ۶۳ ساله قرار دارد که دو سال پیش از سوی آیت الله خمینی به جانشینی وی تعیین شد، از سوی دیگر هاشمی رفسنجانی ۵۲ ساله رئیس مجلس شورای اسلامی است که با کنار زدن دیگران روز به روز بیشتر قدرت خود می افزاید.

دا روده منتظری کوششهای رفسنجانی را در ایجا درایطه با غرب که برای دستیابی به اسلحه و فضا آوردن بر عراق انجام شد، سخت مورد تخطئه قرار داده اند.

خبرنگار امریکایی می گوید: به گفته منابع آگاه، نبرد قدرتی که در ایران

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse:

- ما یلم نشریه، قیام ایران را به مدت یک سال به صورت اشتراک فرانسه به حساب بانکی نشریه حساب بستی نشریه ارسال می کرد.

تاریخ امضاء

شماره حساب بستی:

QYAM IRAN
C. C. P. No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تصنایف و تقاضاهای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها که به آدرس حساب بستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

سخاوت احمد خمینی

بقیه از صفحه ۸

بر کشور بازل کرده است، کافی است تا نشان دهد که ری که در بیست است از توان همه، این ملاهای ریز و درت بیرون است. تمام قدرت خمینی از ما رکتستی آتشفشان انقلاب بدست آمد، اگر برای خمینی بتوان امتیازی قائل شد، این بود که دست نمی توانند بین آتشفشان را میارزند. از اینرو تلافی هم در این راه نکرده. رفسنجانی و منتظری در وضعی نیستند که بتوانند تون انقلاب را، که اینک است خسته ای شده است بازانند. پس باید با سبب قدرتی از نو پیا را بند. و تا ریح، جز در مورد سالین، نشان نداده است که این از کسای ساخته باشد که خود در انقلاب شریک بودند. آفتکسی انقلابی را همواره قدرتی از بیرون آن میارمی کند.

رفسنجانی گرفته تا منتظری و خامنه ای با هر ترکیب قابل تصور دیگری، خود را در تداوم این انقلاب و این رژیم - در تروریسم، در جنگ، در احتیاق - پیش از آن در کبر کرده اند که بیواسطه خود را از آن جدا کنند. و کسی که راه خود را از این انقلاب ورزیم جدا نکند، راهی جز سقوط در پیش ندارد. ممکن است به دیده ناظران غربی، موقعیت رفسنجانی در نبرد قدرت مسا عدت را موقعیت منتظری باشد. این بدان می ماند که با نظاره سلی جاری بگوئیم که موقعیت کوه در آن مسا عدت را موقعیت وزغ است. این به جای خود، ولی هیچ یک از این دو در موقعیتی نیست که بتوانند دلیل را مهسار کند.

مروری سطحی بر ویرانی که در کشور پیا آمده است، نگاه کن که در عمق فاجعه ای که انقلاب اسلامی و حکومت بر آمده از آن

از آنجا که رفسنجانی مدافع اصلی بیرون آمدن جمهوری اسلامی از نزوا و ایجاد رابطه با غرب بوده است، حمله به آیت

بقیه از صفحه ۱

در لبنان ن محنت زده، که فعلا" میسدان ترکنازی کشور های خارجی است، "تری ویت" نماینده اسقف کانتربوری، چهار معلم آمریکا شی و دو با زرگان آلمانیه اسارت گروگان گیرها در آمدند.

" تری ویت " که سال گذشته نیز برای آزادی گروگان های آمریکا شی در لبنان اقدام کرده بود با سران گروه های مسلح حزب الهی در لبنان ن آشنا شی نزدیک داشت، تصوری کردیتوا ندیکبا ردیگر کاری درین زمینه انجام مدهو با وجود آنکه سفیر انگلیس در لبنان ن به وی اخطار کرده بود شرایط نسبت به سال پیش خیلی فرق کرده است، خطر کردوبه بیروت رفت و عازم گفتم و گویا آدم ربایان شدولی خود اودیکبرنگشت. بقول سعدی :

داهربا رما هی آوردی
ماهی این بار رفت ودا مبردی
چرا چنین تصوری برای "تری ویت" و عالیجناب، اسقف کانتربوری پیش آمده بود که علی رغم اخطار سفیر انگلیس در بیروت کاری از دستا ن ساخته است و در حال، اگر هم سفر تری ویت کاساز نباشد خطری در بر نخواهد داشت؟ برای اینکه اسقف کانتربوری مثل پاپ اعظم در باره شخصیت خمینی و فرقه خمینیه دچار اشتباه شد.

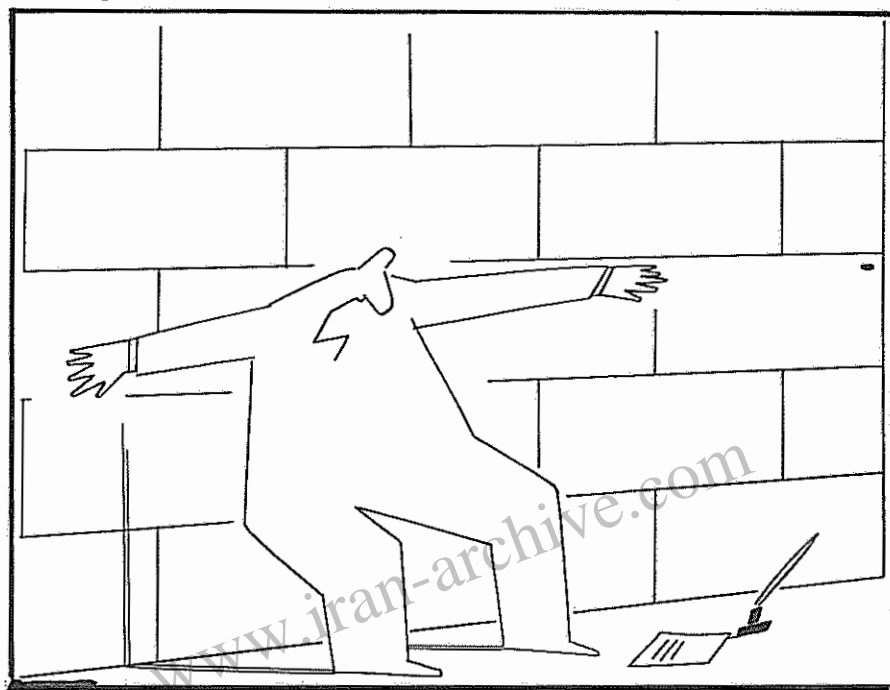
اکثر رهبران مذهبی و سیاسی جهان هنوز آیت الله خمینی را نشناخته اند. آنها گمان می کنند خمینی چون عنوان آیت الله و فقیه و امام در درخت روحانی میبوشد اخلاقا "هم مقید به معنویت و روحانیت است. خیال می کنند آیت الله خمینی به سیاستمداران بدبین است ولی به مذهب بیون احترام می گذارد و شان و مقام آنها را مراعات می کند. خیال می کنند اگر تری ویت پاپ اعظم یا اسقف کانتربوری عنوان نمایندگی داشته باشد در خواهد بود از زبان مشترب. اهل مذهب بهره بگیرد و آیت الله خمینی با اطرافیان و دست پروردگان و پیروان منتبوی باب گفت و گو بگشاید.

از ما نخورده باشی

چنین اشتباهی را اولین بار "جیمی کارتر" مرتکب شده وقتی طرح ربودن آیت الله خمینی را بمنظور مبادله با گروگان های آمریکا شی به او عرضه کردند گفت خمینی یک شخصیت روحانی است و با شخصیت روحانی نباید همچو معامله می کرد. بعد هم با زبا همیسن

آیت الله خمینی را تشویع کرد که حربه گروگان گیری را در موا رد دیگر هم بکار گیرد.

این عقیده درستی است ولی در عین حال با ید قبول کرد که تساهل جیمی کارتر در قبال مساهله گروگان گیری و اشغال سفارت آمریکا مثل تساهل شیخ سعدی با



آن پسرک گستاخ چندان خوش عاقبت نبوده است.

طبق یک روایت عامیانه، شیخ سعدی روزی از بازاری می گذشت، پسرک چشم دریده ای هوس کرد دستی به او برساند. سعدی هیچ عکس العمل خشم آمیزی ابراز نکرد. در کمال ملایمت ده درهم به پسرک داد و گفت: "از ما نخورده باشی!"

پسرک تشویع شد، با خودش گفت وقتی شیخ یک لاقبا شی بخاطر این عمل ده درهم می دهد لابد اشخاص محتشم بیشتر خواهند داد. روز بعد، در بازار به او روغن نیز دستی رساند. او روغن گفت او را گرفتند و

تصورا زبا بمنظور وساطت در باب آزادی گروگان ها کمک خواست و پاپ نماینده ویژه ای را با پیام احترام آمیزی به دیدار آیت الله خمینی فرستاد ولی آیت الله، ازین فرصت برای تحقیر پاپ و کارتر، استفا ده کرد و جلوی دوربین های تلویزیونی مقصداری لیجا ربه هر دو تحویل داد و نمانده وایتیکان را دست از پا دراز تر باز کردانید.

امروز عقیده عمومی بر اینست که آمریکا در قبال نخستین گروگان گیری آیت الله بشدت ضعف نشان داد و همین

قاچاق اسلحه

روزنامه بلژیکی "لوسوار" در شماره ۶ فوریه فاش کرد که جمهوری اسلامی به وسیله دوشیکه اروپا شی، یکی از طریق بندر بلژیکی "زبروژ" مهمات فرانسوی دریا فت می کند و دیگری از طریق فرودگاه "لیل" واقع در فرانسه، اسلحه ساخت دیگر کشورهای اروپا شی تحویل میگیرد. دو خبرنگار روزنامه "لوسوار" که در این زمینه دست به تحقیقات مفصلی زده اند با استناد به دفاتر شرکت لویدز لندن و بررسی های مخفیا نه گمرکی، در مقاله "خود شرکت مهمات سازی "لوشر" فرانسه را متهم کردند که بطور مخفیا نه جنگ افزا ربه جمهوری اسلامی تحویل داده است.

در این حال به گزارش خبرنگاری فرانسه وزیران امور خارجه و دارائی بلژیک به این عنوان که دولت بلژیک هنوز منتظر نتیجه تحقیقات دربار ه فروش اسلحه به جمهوری اسلامی است از دادن هرگونه توضیحی در این باره خودداری کردند.

با آوری می کنیم که پس از نخستین افشاکری ها دربار ه فروش اسلحه بلژیکی به رژیم تهران ن لثوتیندمن وزیر امور خارجه بلژیک، دو ماه قبیل دستور داد تحقیقاتی در این باره آغاز شود. به نوشته روزنامه "لوسوار"، افشاح فروش مهمات از سوی شرکت فرانسوی "لوشر" به جمهوری اسلامی و متوقف شدن چندین کشتی حامل مهمات در بندر "شبروک" فرانسه و توقیف

محموله آنها، تولیدکنندگان فرانسوی جنگ افزا بر آن داشت تا راه های جدید عملی دیگری برای ارسال سلاح به ایران بیابند. یکی از این راه ها استفا ده زبنا در بلژیک بود. از آنجا که بلژیک و فرانسه هر دو عضو سازمان مشترک هستند، حمل و نقل کالا بین دوکشوردر کمال سهولت و بدون تشریفات گمرکی انجام میشود. شرکت "لوشر" شعبه ایتالیا شی "شرکت اروپا شی جنگ افزا" معروف به "سه" به سرعت از این امکان، برای رساندن خمپاره های ۲۰ و ۱۵۵ میلی متری به جمهوری اسلامی استفا ده کردند. از آنجا که ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی با بارنا مه و مقصد جعلی انجام می گیرد، در بندر "زبروژ" کنترل چندانی در مورد این محموله ها اعمال نمی شود. تولیدکنندگان اسلحه در دیگر کشورهای اروپا شی از جمله بلژیک، هلند، آلمان غربی و سوئد از راه دیگری نیز برای ارسال مخفیا نه جنگ افزا ربه جمهوری اسلامی استفا ده می کند. محموله های

دستش را بردند! گروگان گرفتن ۵۲ آمریکا شی در تهران اگر چه فرصت بی مانندی برای خودنمایی و بازیگری در اختیار آیت الله خمینی قرار داد ولی در نهایت امر، دودش به چشم ایران رفت و کشور ما آنچنانسان غرامت سنگینی با بت با زی غیرا فلان آیت الله پرداخت که هیچ کافر آن را در حق دشمن خود روا نمی شمرد. زیان هایی که از رهگذر گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا به ایران رسید قابل احصاء نیست. تعهداتی که ایران در بدترین وضعیت مجبور شد بموجب قرار دادالجزا بربدان تن بدهد فقط جزئی از آثار شوم گروگان گیری است. آنچه درین هفت سال برای ایران رسیده هستی کشور و ملت ما را به آتش کشیده پیامد همان عمل ابلهان گروگان گیری است. عربها ضرب المثلی دارند که میگوید عاقل از یک سوراخ دوبا رگزیده نمیشود. ولی جا هل، چنان که می بینیم، اگر ده بار هم زسوراخی گزیده شود بساز انگشت در همان سوراخ می کند.

گروگان گیری، تروریسم، شانتاژی و بیکدام از ابدا عات رژیم آیت الله نیست. اینها پدیده های خیلی کهنه است که آیت الله خمینی از بیگانی را کدتا ریخ بیرون کشید و وارد دنیا ی جدید کرد. منتهی آنکه در این با زی لطمه میخورد برخلاف تصور و ادعای آیت الله، دنیای پیشرفته نیست. یک بیلان هفت ساله جلوی چشم شماست. بردارید ببینید کی درین معامله ضرر کرده است. تعداد آمریکائها و فرانسویها و انگلیسی ها و آلمانها شی که در طول این مدت گروگان گرفته شده اند به صدتن نمیرسد. یکی دوتن از آنها بر حسب تصادف مرده اند و دیگریان، بعد از مدتی با سلام و صلوا ه آزاد شده اند. اما اینطرف، ملتی خرد و خمیر شده و همه چیزش را به پای این بازیهای احمقانه که جماعتی زبان نفهم با تفکرات و سیاست های قرون وسطا شی خود بر او تحمیل کرده اند زدست داده است.

سلاح از طریق جاده به فرودگاه "لیل" واقع در فرانسه حمل می شود و از آنجا با هواپیما های چارتر متعلق به کشورهای ثالث و با برنامه های جعلی به ایران فرستاده میشود. روزنامه بلژیکی "لوسوار" قتل ژنرال سوئدی، "کارل فردریک آلگرنون" را نیز به ما جرای قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی ربط می دهد. ژنرال "آلگرنون" روز ۲۵ دی ماه امسال در شهر استکهلم بوسیله شخصی ناشناسی به زیر مترو انداخته شد. او در باره فروش مخفیا نه اسلحه به جمهوری اسلامی بویژه از سوی شرکت "بوفسورس" تحقیق می کرد. او چاره شده از سوی شرکت بوفسورس از بندر "زبروژ" عبور کرده اند.

لوسوار - ۵ فوریه ۸۷

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد